

Challenges and Problems of Remarriage Couples and Coping Strategies of Successful Couples; A Qualitative research

Jafar Samari Safa 

PhD student in counseling, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

Eghbal Zarei *

Department of Counseling, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

Samaneh Najarpourian 

Department of Counseling, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

Kourush Mohamadi 

Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

Abstract

Remarriage is a chance for couples who have lost their spouse for various reasons to re-experience life together. The aim of this study was to identify the problems and challenges of remarried couples and coping strategies of remarried couples based on the lived experiences of these couples. This research was conducted qualitatively using interpretive phenomenological approach. Research Field (Statistical Society) The present study consisted of married couples in Tehran in 1399. Using purposive sampling method, 21 couples were selected from the couples who met the inclusion criteria, and the research data were collected through semi-structured in-depth interviews privately from these couples. Based on the analysis of interviews, a total of 18 main categories and 108 sub-categories were obtained as categories of challenges of remarried couples and effective coping strategies of successful couples with stable remarriage in two time periods (when choosing a new spouse and during new life).) Was categorized. However, successful couples have effective coping strategies that are classified into three levels:

* Corresponding Author: e.zarei@hormozgan.ac.ir


How to Cite: Samari Safa, J., Zarei, E., Najarpourian, S., Mohamadi, K. (2023). Challenges and Problems of Remarriage Couples and Coping Strategies of Successful Couples; A Qualitative research., *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 14(53), 35-92.

individual, couple and family and in two time periods (during the selection of a spouse and the time of new life). It can be concluded that remarriage has many challenges, but couples can create a lasting marriage from the beginning by using appropriate coping strategies to make informed choices and deep knowledge of each other and honesty and transparency about the issues of past life and relationship.

Keywords: Remarriage, Challenges, Coping Strategies, Qualitative research.

چالش‌ها و مشکلات زوجین در ازدواج مجدد و راهبردهای مقابله‌ای زوجین موفق؛ یک پژوهش کیفی


دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

جعفر ثمری صفا 


دانشیار، گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

اقبال زارعی * 

دانشیار، گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

سمانه نجارپوریان 

استادیار گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

کوروش محمدی 

چکیده

ازدواج مجدد شانس دوباره‌ای است که زوجینی که به دلایل مختلف همسر خود را از دست داده‌اند، برای خود، جهت تجربه دوباره زندگی مشترک فراهم می‌نمایند. پژوهش حاضر باهدف شناسایی مشکلات و چالش‌های زوجین دارای ازدواج مجدد و راهبردهای مقابله‌ای زوجین دارای ازدواج مجدد بر اساس تجارب زیسته این زوجین انجام گرفت. این پژوهش به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری انجام گردید. میدان پژوهشی (جامعه‌آماری) پژوهش حاضر را زوجین دارای ازدواج مجدد شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل داده‌اند؛ که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۲۱ نفر از افراد یا زوجینی که شرایط ورود به پژوهش را داشتند انتخاب شدند و داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته به صورت خصوصی از این زوجین گردآوری شد. بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها، مجموعاً ۱۸ مقوله اصلی و ۱۰۸ مقوله فرعی به دست آمد که به صورت مقوله‌های چالش‌های زوجین دارای ازدواج مجدد و راهبردهای مقابله‌ای کارآمد زوجین موفق و دارای ازدواج مجدد رضایتمند در دو مقطع زمانی

این مقاله مستخرج از رساله دکتری می‌باشد.

* نویسنده مسئول: e.zarei@hormozgan.ac.ir

(در زمان انتخاب همسر جدید و در زمان زندگی جدید) دسته‌بندی شد. با این حال زوجین موفق راهبردهای مقابله‌ای کارآمدی داشته‌اند که در سه سطح فردی، زوجی و خانوادگی و در دو مقطع زمانی (حین انتخاب همسر و زمان زندگی جدید) دسته‌بندی شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ازدواج مجدد چالش‌های زیادی دارد ولی زوجین می‌توانند برای ایجاد یک ازدواج رضایتمند از همان ابتدا با استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مناسب در جهت انتخاب آگاهانه و شناخت عمیق از یکدیگر و صداقت و شفاف‌سازی در مورد موضوعات زندگی سابق و رابطه زوجی فعلی تلاش نمایند. همچنین مشاوران می‌توانند برای افزایش دوام ازدواج‌های مجدد، با طراحی و اجرای برنامه‌های مناسب بر اساس این موارد در مشاوره‌های پیش از ازدواج و زوج‌درمانی‌ها به سلامت خانواده‌ها و جامعه کمک نمایند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج مجدد، چالش‌ها، راهبردهای مقابله‌ای، پژوهش کیفی.

مقدمه

ازدواج نهادی است که از طریق آن مرد و زن با هم پیمان زناشویی می‌بندند و اولین و مهم‌ترین مرحله در چرخه زندگی خانوادگی می‌باشد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد (مرادی، صدوری دمیرچی، کشاورز افشار، درگاهی، ۱۴۰۱). با این حال، گاهی اوقات این چارچوب با طلاق شکسته می‌شود. پس از فروپاشی ازدواج، هر یک از اعضای خانواده ممکن است مسیر خود را طی کند (یزدانی، موسوی، علیپور و رفیعی^۱، ۲۰۲۱). برخی از افراد طلاق گرفته ممکن است برای همیشه مجرد بمانند در حالی که برخی دیگر تصمیم می‌گیرند دوباره ازدواج کنند (هیوشی، فال، نتوولی، مونتگومری^۲، ۲۰۱۵). ازین رو طبق نظر سویینی^۳ (۲۰۱۰) برخلاف قرون گذشته که ازدواج با مرگ خاتمه می‌یافت، در قرون حاضر بخشی ازدواج‌ها با طلاق به پایان خود می‌رسند تقریباً نیمی از ازدواج‌ها در آمریکا به طلاق یا جدایی ختم می‌شوند (کینگ، آماتو و لیندسترو^۴، ۲۰۱۵). نرخ ازدواج مجدد همچنان بالا است (هوا^۵، ۲۰۲۰). محققان تغییر اجتماعی به نرخ بالای ازدواج مجدد در چندین دهه اخیر را به‌عنوان شواهدی از دل‌بستگی شدید افراد به نهاد ازدواج اشاره کرده‌اند (کلمیجن^۶، ۲۰۱۳).

ازدواج مجدد شانس دوباره‌ای است که افرادی که همسر خود را از دست داده‌اند، برای خود جهت تجربه دوباره زندگی مشترک فراهم می‌نمایند (ملکی، ۱۳۹۵). ازدواج مجدد می‌تواند شامل اوضاع و شرایط گوناگونی باشد. زوج‌هایی که در اواخر بیست و چند سالگی، در سی و چند سالگی و یا اوایل چهل و چند سالگی ازدواج مجدد می‌کنند، هر کدام ممکن است یک یا چند فرزند از ازدواج اول خود داشته باشند که با آن‌ها زندگی می‌کنند. هریک از طرفین ازدواج مجدد ممکن است پیش از آن مجرد، طلاق

1. Yazdani, A., Mousavi, M., Alipour, F., & Rafiey, H

2. Hiyoshi A, Fall K, Netuveli G, Montgomery S

3. Sweeney, M. M.

4. King, V., Amato, P. R., & Lindstrom, R.

5. Hu, Y.

6. Matthijs Kalmijn.

گرفته یا بیوه بوده باشند که ترکیب حالات ممکن، هشت تیپ مختلف را تشکیل می‌دهد (رمضانی، بهمنی، ازخوش و دادخواه، ۱۳۹۵).

با مفهومی که از ازدواج مجدد ذکر گردید باید گفت که بین ازدواج مجدد و تعدد زوج‌ها تفاوت وجود دارد، در تعدد زوج‌ها معمولاً مردی دارای همسر و احیاناً فرزند نیز می‌باشد ولی به دلایل متعددی اقدام به ازدواج با زنی که امکان دارد فرزند داشته باشد یا نداشته باشد می‌نماید. به عبارتی ساده‌تر در تعدد زوج‌ها چندهمسری شکل عملی به خود می‌گیرد که با ازدواج مجدد متفاوت است (ملکی، ۱۳۹۵).

پدیده ازدواج مجدد زنان مطلقه واقعیتی اجتماعی است که در جوامع کنونی از جمله ایران به دلایلی همچون افزایش طلاق، تغییر سبک زندگی، تغییر ارزش‌های حاکم بر زندگی افراد، بحران‌های سیاسی-اجتماعی و تغییر الگوهای فرهنگی، رو به افزایش است (قوی پنجه، ۱۳۹۶). در کشورهای صنعتی، میزان بالای طلاق، گروه وسیعی را به وجود می‌آورد که داوطلب ازدواج مجدد هستند و حدود سه چهارم افراد مطلقه دوباره ازدواج می‌کنند (دلیلگو و همکاران به نقل از کرایدر و فیلدز^۱، ۱۳۹۵). در ایران ازدواج مجدد مردان طبق آمار بیشتر از زنان می‌باشد. البته زنانی که تصمیم به ازدواج مجدد می‌گیرند، این امر را می‌دانند که انتخاب در ازدواج مجدد به مراتب سخت‌تر از ازدواج اول است، چراکه اگر با شکست مواجه شوند، آثار زیان‌بار اجتماعی و روانی را بر جای می‌گذارند (قهفرخی و انصاری، ۱۳۹۴).

بنابراین تقریباً نیمی از ازدواج‌هایی که امروزه در آمریکا ثبت می‌شوند از نوع ازدواج مجدد است و اکثر آن‌ها (تقریباً ۶۵ درصد از این افراد) از رابطه قبلی فرزندان خود را وارد ازدواج جدید می‌کنند (بین^۲، ۲۰۱۹؛ فرانسسکا و هگینبوتام^۳، ۲۰۰۴). این در حالی است که طبق گزارش برخی از پژوهش‌ها در ایالت متحده این ازدواج‌های مجدد زودتر از اولی به جدایی ختم می‌شوند و ازدواج دوم با افزایش میزان طلاق (۶۵٪ تا ۷۰٪) مواجه است

1. Kreider & Fields.

2. Ron C. Bean.

3. Adler-Baeder, F., & Higginbotham, B.

(بین، ۲۰۱۹؛ ویشر، ویشر و پاسلی^۱، ۲۰۰۳). به این ترتیب اغلب پیش‌بینی می‌شود که به‌زودی بیشتر ازدواج‌ها در آمریکا از نوع ازدواج مجدد باشند تا ازدواج اول (برنشتاین^۲، ۲۰۰۰). تاجایی که ویشر و همکاران (۲۰۰۳) گزارش کرده‌اند که فراوانی خانواده‌های آمیخته بیشتر از هر نوع خانواده دیگر است.

شروع زندگی جدید یا ازدواج مجدد ضمن آنکه شباهت‌هایی با ازدواج اول دارد ولی تفاوت‌های اساسی، بنیادی و کیفی نیز با آن دارد. این تفاوت‌ها خود را در قالب مفهوم، شکل‌ها، موانع، عوامل موفقیت، وضعیت افراد، مشکلات افراد و غیره نمایان می‌کنند که عدم توجه و عدم آشنایی با آن‌ها ازدواج مجدد را نیز با مشکل مواجه می‌نمایند (استوکس و ومپلر^۳، ۲۰۰۲). بر همین اساس آدلر بایدر و هگین بوتهام (۲۰۰۴) و فرانسسکا و هگین بوتهام (۲۰۰۴) طی تحقیقاتی به این نتیجه رسیدند که آموزش دهندگان و مشاوران ازدواج، باید بین خانواده‌های ترکیبی و کسانی که برای بار اول ازدواج می‌کنند، تفاوت‌هایی قائل شوند و برنامه‌های اضافی که مربوط به احتیاجات این خانواده‌ها باشند را برای آنان در نظر بگیرند.

از سویی دیگر باوجود افزایش میزان طلاق، در بین ازدواج‌های مجدد، جالب است که چالش‌ها و عواملی که باعث طلاق در این زوجین هستند، توجه کمتری را در پیشینه و ادبیات پژوهشی به خود اختصاص داده است (آدلر -بایدر و هیگینبوتام، ۲۰۰۴؛ فابر^۴، ۲۰۰۴؛ استوکس و ومپلر، ۲۰۰۲). در حقیقت بسیاری از پیشینه‌های پژوهشی که روی ازدواج مجدد تمرکز کرده‌اند اصولاً علاقه‌مند به موضوعاتی در زمینه والدین آمیخته و ترکیب کردن دو خانواده (آدلر -بایدر و هیگینبوتام، ۲۰۰۴؛ فابر، ۲۰۰۴؛ استوکس و ومپلر، ۲۰۰۲)، چگونگی رضایتمندی ازدواج‌های مجدد (مارسی کمپل^۵، ۲۰۱۲)، میزان رغبت

1. Visher, E. B, Visher, J. S & Pasley

2. Bernstein, A. C.

3. Stokes SB, Wampler RS.

4. Faber AJ.

5. Marci Campbell

زنان و مردان به ازدواج‌های مجدد (کراولی^۱، ۲۰۱۸)، الگوهای ارتباطی و رفتارهای حفظ رابطه (بین، ۲۰۱۹)، فرزندان و خانواده‌های ناتنی در ازدواج‌های مجدد (هوا، ۲۰۲۰) هستند؛ و سویی (۲۰۱۰) در یک مقاله مروری بر روی پژوهش‌های سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بر روی فهم ازدواج‌های مجدد و خانواده‌های ناتنی (شبه خانواده‌ها^۲) پیشنهاد داده است که تمرکز از زمینه‌های جمعیت‌شناسی در این خانواده‌ها باید برداشته شود و به درون‌مایه‌های بنیادین در آموزش این‌گونه خانواده‌ها انتقال پیدا کند که شامل تنوع و پیچیدگی‌های ساختارها و فرایندها در این اشکال خانواده، پیامدهای والدینی چندگانه برای کودکان و بزرگسالان و ویژگی‌های لازم برای اشخاص برای ورود به آن خانواده‌ها می‌شود.

باتوجه به مواردی که ذکر شد، نهاد ازدواج و ازدواج مجدد با چالش‌های زیادی مواجه است؛ و ازجمله مسائل متفاوتی که برای زوجین ازدواج مجدد طبق پژوهش‌های خارجی قابل ذکر است؛ یکپارچه کردن کودکان در ازدواج‌های قبلی، روشن شدن تعریف نقش‌هایی مانند ناپدری، تبعات عاطفی جدایی، حضور فرزندان در روابط جدید، امور مالی، عدم رهنمودها و مدل‌ها و پیچیدگی ساختار می‌باشد (فرانسسکا و هیگینبوتام^۳، ۲۰۰۴). بااین حال نکته مهم این است که اگرچه پژوهش‌های خارجی راهگشای پژوهش حاضر می‌باشند، اما بستر فرهنگی ایران نیازمند بررسی‌ها و راهکارهایی است که از درون زوج‌های متقاضی ازدواج مجدد ایران استخراج شده باشد. چون بدیهی است که زندگی زوجی و انتخاب همسر نمی‌تواند از اثرات فرهنگی و قومی به‌دور باشد. فرهنگ از مهم‌ترین عواملی است که بر فرایندها و پیامدهای روابط زناشویی تأثیر می‌گذارد (صاحب‌دل، زهراکار و دل‌اور، ۱۳۹۳). در این پژوهش هم بر اساس همین اصل و منطبق با شرایط بومی و فرهنگی کشور ایران در دستور کار قرار گرفت. باتوجه به اینکه میدان پژوهشی در این پژوهش، افراد دارای ازدواج مجدد است؛ و این موضوع (ازدواج مجدد)، به‌ندرت موردتوجه محققان بوده است؛ و در ایران هم پژوهشگران، اغلب به تدوین الگوی

-
1. Crowley, J.
 2. Stepfamilies
 3. Francesca & Higginbotham

ازدواج برای ازدواج‌های اول (امیری و همکاران، ۱۳۹۷؛ کریمی ثانی، اسمعیلی و فلسفی نژاد، ۱۳۹۴؛ گلزاری و کمن، ۱۳۹۴)، الگوی ازدواج پایدار و رضایتمند (حاتمی ورزشه، اسمعیلی، فرحبخش و برجعلی، ۱۳۹۴؛ فتحی، اسمعیلی، فرحبخش و دانش پور، ۱۳۹۴)، مدل ازدواج موفق (درخش و همکاران، ۱۳۹۸) شاخص‌های ازدواج موفق (صاحب‌دل و همکاران، ۱۳۹۴) و شناسایی علل زمینه‌ای، کیفیت زندگی زناشویی پرداخته‌اند و در حوزه ازدواج مجدد

فقط چند پژوهش صورت گرفته که هیچ‌کدام به دید جامع‌ای از چالش‌های این زوجین در قبل از ازدواج، حین انتخاب همسر جدید و در زمان زندگی زوجی از زوجینی که به دلیل طلاق یا فوت همسر، همسر خود را ازدست داده‌اند، نداشته‌اند. به‌عنوان نمونه یکه و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت ازدواج مجدد به‌صورت مطالعه کیفی به این نتایج رسیدند که "ناهمخوانی اولویت‌ها" به‌عنوان مقوله محوری، تعیین‌کننده کیفیت ازدواج مجدد است و شدت این ناهمخوانی تحت تأثیر عوامل فردی (نگرش و انتظارات، ناامنی عاطفی، میزان آمادگی برای ازدواج مجدد، اعتیاد)، عوامل بافتی (عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی) و عوامل مداخله‌گر مربوط به ازدواج قبلی (همسر سابق، فرزندان ناتنی و طول مدت ازدواج قبلی) قرار دارد. همچنین راهبردهای بکارگرفته شده در مقابله با تعارض ناشی از ناهمخوانی اولویت‌ها که خود متأثر از عوامل بافتی و مداخله‌گر است، میزان رضایت و کیفیت ازدواج مجدد را رقم می‌زند. در پژوهش دیگری رضایی و همکاران (۱۳۹۵) این گونه نتیجه گرفتند که ازدواج مجدد برای زنان مطلقه انتخابی پیچیده است و عوامل متفاوت برای انتخاب تأثیرگذار است. تجربه ازدواج مجدد در میان زنان مطلقه از شرایط مختلفی اثر می‌پذیرد که بنیادی‌ترین عامل اثرگذار بر این تجربه، حمایت خانواده است. حمایتی که در صورت انجام نگرفتن، زنان را در شرایطی بحرانی قرار می‌دهد و هر نوع تصمیم‌گیری در ازدواج مجدد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

دلیل گو، وحید، مهاجرانی و اسماعیلی (۱۳۹۵) نیز به بررسی تجربه زیسته زوجین از

عدم رغبت به ازدواج مجدد پرداخته‌اند. همچنین می‌توان گفت مطالعات دیگری که انجام شده بیشتر به صورت کمی بوده و بر روی نمونه‌ای خاص شامل زنان تحت حمایت کمیته امداد یا همسران شاهد صورت گرفته است که نشان از محدودیت در تنوع نمونه است و اکثر این مطالعات با زنانی که ازدواج مجدد کرده‌اند صورت گرفته است. در حالی که مردانی که به این عمل مبادرت کرده‌اند تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. در نتیجه بافت و شرایط این قشر می‌طلبد که شرایط، مشکلات و چالش‌های ازدواج مجدد در قبل از ازدواج مجدد و زمان انتخاب همسر و زمان زندگی زوجی توجه قرار گیرند و راهبردهایی که زوجین دارای ازدواج مجدد موفق و رضایتمند برای مقابله با این چالش‌ها داشته‌اند، شناسایی شود؛ زیرا این زوجین دارای شرایط زندگی با ویژگی‌های خاص هستند که آن را از سایر افراد و ازدواج‌های دیگر که افراد برای اولین بار قصد ازدواج دارند، متمایز می‌کند. لذا با توجه به مباحث مطرح شده و بررسی‌های صورت گرفته پژوهشگران برای پر کردن خلأهای پژوهشی به دنبال شناسایی مشکلات و چالش‌های زوجین دارای ازدواج مجدد و راهبردهای مقابله‌ای زوجین دارای ازدواج مجدد موفق می‌باشند.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر برای درک کیفی تجارب زیسته زوجین دارای ازدواج مجدد، از رویکرد کیفی استفاده شد، رویکرد کیفی به عنوان یک راه اکتشافی می‌تواند اطلاعاتی غنی برای محققان فراهم سازد. این نوع مطالعات از عمق بالایی برخوردارند و تصویری همه‌جانبه از مسئله تحقیق ارائه می‌دهند (فلیک، ۱۳۸۷)؛ و از آنجا که هدف پژوهش حاضر، شناسایی مشکلات و چالش‌های زوجین دارای ازدواج مجدد و راهبردهای مقابله‌ای زوجین دارای ازدواج مجدد موفق و رضایتمند بود، برای ورود به درون جهان زیسته افراد و بررسی تجربیات زندگی آن‌ها، روش پدیدارشناسی مناسب می‌باشد (زارعی، ۱۳۹۵) پدیدارشناسی فرد را بخشی از محیط می‌داند و تمرکز اصلی تحلیل پدیدارشناختی، بررسی تجربه آگاهانه افراد و روشن ساختن ساختار و جوهره پدیده‌های تجربه‌شده به همان

صورتی است که در زندگی واقع شده‌اند (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۴). این روش به دو روش عمده توصیفی و تفسیری تقسیم می‌شود. روش پدیدارشناسی تفسیری به دنبال شناخت الگوهایی در داده است که در چارچوبی نظری قرار می‌گیرد و شناخت پدیده‌ها از طریق درک تجربه افراد در زندگی روزمره را فراهم می‌کند (شکوهی یکتا، اکبری، پرند و پوران، ۱۳۹۱) و از آنجا که در پژوهش حاضر نیز درک تجارب زیسته زوجین دارای ازدواج مجدد مورد توجه بود، از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری استفاده گردید.

میدان پژوهشی حاضر را زوجین و مردان و زنان دارای ازدواج مجدد شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل داده‌اند. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۲۱ نفر از بین زوجین و مردان و زنان (بعضی از افراد به صورت زوج نبودند) و که شرایط ورود به پژوهش را داشتند انتخاب شدند و داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته به صورت خصوصی از این زوجین گردآوری شد. ملاک‌های مورد نظر در انتخاب نمونه این پژوهش، شامل موارد زیر بود: ۱- حداقل یکی از زوجها (زن یا شوهر) در ازدواج دوم باشند. ۲- داوطلبان باید حتماً ملیت ایرانی داشته باشند ۳- طول مدت ازدواج مجدد این زوجها یا مردان و زنان بیش از ۳ سال باشد. ۲- سطح رضایتمندی از ازدواج مجدد در آنها بر اساس پرسشنامه انریچ در حد زیاد و بسیار زیاد باشد و یا در حد نارضایتی شدید و نارضایتی نسبی باشد. در راستای رعایت اخلاق پژوهشی شرایط پژوهش و مصاحبه‌ها تشریح گردید و رضایت‌نامه کتبی برای شرکت در پژوهش که حاوی هدف از پژوهش، حقوق مشارکت‌کننده و اجازه ضبط مصاحبه‌ها بود، از مشارکت‌کنندگان دریافت شد.

ب) ابزار جمع‌آوری داده‌ها:

۱- پرسشنامه: از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ فرم کوتاه ۴۷ سؤالی استفاده گردید. این پرسشنامه شامل ۱۲ مقیاس است که عبارت‌اند از: پاسخ قراردادی، مسائل شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت، روابط

جنسی، ازدواج و فرزندان، بستگان و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی و جهت‌گیری مذهبی را ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه رضایت‌مندی زناشویی زوجین را به صورت ۵ گزینه‌ای در مقیاس لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) می‌سنجد که به هریک از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود. نمره دهی سؤالات ۴، ۶، ۸، (۱۱-۱۶)، (۱۸-۲۴)، (۳۰-۳۳)، (۳۷-۴۲)، (۴۵-۴۷) به صورت معکوس است. نمرات بین ۴۷ تا ۸۴ نارضایتی شدید، نمرات بین ۸۵ تا ۱۲۲ نارضایتی نسبی، نمرات ۱۲۳ تا ۱۶۰ رضایت متوسط، نمرات ۱۶۱ تا ۱۹۸ رضایت زیاد، نمرات بین ۱۹۹ تا ۲۳۵ بیانگر رضایت خیلی زیاد است. حداقل نمره در این آزمون ۴۷ و حداکثر ۲۳۵ است. هر چه فرد نمره بیشتری را کسب کند نشانه رضایت زناشویی بیشتر او است. اولسون و اولسون (۱۹۹۷) اعتبار این پرسشنامه را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. همچنین در پژوهش کلوری و همکاران (۱۳۹۰) اعتبار این آزمون با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش باز آزمایی (به فاصله یک هفته) برای مردان ۰/۹۳۷؛ و برای زنان ۰/۹۴۰ به دست آمده است. ضریب همبستگی پرسشنامه انریچ با مؤلفه‌های رضایت خانوادگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که بیانگر روایی سازه آن می‌باشد. کلیه خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کند و این نشان می‌دهد که پرسشنامه انریچ از روایی ملاک خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۸۷). در این پژوهش نیز برای تعیین پایایی پرسشنامه، از روش آزمون مجدد استفاده شد. به این ترتیب که پرسشنامه دو بار به فاصله دو هفته بین ده نفر از مردان و زنان راضی و ناراضی توزیع شد. پس از آن ضرایب آلفای کرونباخ (برای ارزیابی پایایی از بعد انسجام درونی) و کاپا (برای ارزیابی از بعد تکرارپذیری) محاسبه شد که همبستگی بین نتایج دو آزمون ۰/۸۴ به دست آمد.

۲- مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته: بخش اعظم اطلاعات با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. پس از غربالگری مردان و زنان راضی و ناراضی؛ مردان و زنانی که نمره آنان بر اساس پرسشنامه انریچ، در حد نارضایتی شدید (نمرات بین ۴۷ تا ۸۴) و نارضایتی نسبی (نمرات بین ۸۵ تا ۱۲۲) یا رضایت زیاد (نمرات ۱۶۱ تا ۱۹۸) و رضایت

خیلی زیاد (نمرات بین ۱۹۹ تا ۲۳۵) کسب کرده‌اند، مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. سعی گردید برای اطمینان بیشتر از اشباع نظری و تکراری بودن مقولات و نبود مقولات جدید، با نفرات بیشتری مصاحبه شود. برای اجرای مصاحبه، با توجه به هدف پژوهش و بر اساس پیشینه موجود، به تدوین چارچوب اولیه مصاحبه پرداخته شد و سؤالات مصاحبه نیمه ساختاریافته در زمینه چالش‌ها، مشکلات و راهبردهای مقابله‌ای در ازدواج مجدد تدوین شد و در جلساتی مورد بحث پژوهشگران و اساتید حوزه مشاوره ازدواج و خانواده قرار گرفت تا صحت محتوا و کفایت آن‌ها بررسی شود و در مورد محتوای مصاحبه و سؤالات آن اجماع نظر حاصل گردید. در سؤالات به لحاظ محتوا یکسان و بر اساس صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان اصلاح گردید. مدت زمان مصاحبه با زوج‌های راضی و ناراضی حدود ۹۰ دقیقه (از مردان و زنانی که به صورت زوجی نبودند و مصاحبه فردی حدود ۴۵-۶۰ دقیقه) به طول انجامید.

به موازات فرایند مصاحبه، فرایند کدگذاری داده‌ها انجام می‌شد و تعداد جلسات مصاحبه تا حد اشباع مقوله ادامه داشت. پژوهشگران بر اساس درک و فهم خود از متن مطالعه، نوشتن تحلیل اولیه را شروع کرد و این کار ادامه یافت تا پیش زمینه‌هایی برای ظهور کدها آغاز شود و این عمل اغلب موجب می‌شود که طرح‌ریزی کدها ظهور پیدا کند و بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایش مقوله‌بندی شوند و بسته به کیفیت ارتباط بین زیر مقوله‌ها، محقق با ترکیب و سازمان‌دهی این زیر مقوله‌ها، آن‌ها را به شمار کمتری از دسته‌بندی (مقوله‌های اصلی) تبدیل کرد. در این پژوهش محقق کدهای استخراج شده از متن مصاحبه‌ها را به زبان خود شرکت‌کنندگان بیان نمود تا خواننده خود را درون دنیای شرکت‌کنندگان احساس کند و به این طریق بر اعتبار تفسیری یافته‌های پژوهش بیفزاید. در این تحقیق بعد از دسته‌بندی اطلاعات در خوشه‌ای از موضوعات، به توضیحات اولیه رجوع گردید تا مطالب اضافه که خارج از دسته‌ها قرار گرفته است حذف شوند. به این ترتیب واقعیات مکرر، مرتبط و صحیح باقی خواهد ماند که همان روایی پژوهش بود.

به‌منظور دستیابی به صحت و اعتبار مطالعه، معیارهای اعتبارپذیری و اعتمادپذیری با روش گوبا و لینکل^۱ (۱۹۹۴)؛ به نقل از ضمیری، قاسمی نیائی، خزاعی، عمادی، (۱۴۰۱) مورد توجه و استفاده قرار گرفت. و برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، هر مصاحبه دوباره به شرکت‌کننده ارجاع شد تا صحت و سقم مطالب تأیید و درنهایت، تغییرات لازم اعمال گردد. جهت تضمین قابلیت تصدیق، سعی بر آن بود که پژوهشگر پیش‌فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهد. جهت تصدیق قابلیت اطمینان و کفایت، از راهنمایی و همکاران متخصص و همچنین استادان راهنما و مشاور استفاده به عمل آمد و متن مصاحبه جهت بررسی کدگذاری‌ها به همکاران متخصص ارائه گردید. جهت قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر، این تلاش صورت گرفته که برای شرکت در پژوهش تا حد امکان از افراد با سطح اجتماعی-اقتصادی، معنوی و سنی متفاوت استفاده شود.

یافته‌ها

در جدول شماره ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان (بخش مردان و زنان دارای ازدواج مجدد) در پژوهش که تعداد ۲۱ نفر بودند ارائه شده است:

1. Guba, E. G. & Lincoln, Y. s

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

شماره شرکت‌کننده	سن	تحصیلات	شغل	علت ترک ازدواج قبلی	فرزند از ازدواج اول	سن فرزند از ازدواج اول	مدت ازدواج اول	سن فرزند از ازدواج مجدد	ازدواج مجدد رضی یا ناراضی از	مدت ازدواج مجدد
۱	خانم ۳۰ آقا ۳۵	دیپلم لیسانس	خانه‌دار کارمند	ازدواج نکرده طلاق	ندارد دارد	-	۰ ۵	۰ ۴	راضی	۵
۲	خانم ۴۱ آقا ۴۳	لیسانس کاردانی	خانه‌دار کارگر	طلاق طلاق	دارد دارد	۲۱ ۱۸	۴	-	راضی	۴
۳	خانم ۳۸ آقا ۴۲	دیپلم کاردانی	خانه‌دار فنی	اعتیاد همسر طلاق	- ندارد	- -	۷	۵ و ۲	راضی	۷
۴	خانم ۵۸ آقا ۶۰	دیپلم دیپلم	خانه‌دار فروشنده	شهادت طلاق	دارد ندارد	۲۴	۵ ۳	۱۷	راضی	۲۰
۵	خانم ۳۸ آقا ۴۴	ابتدایی دیپلم	خانه‌دار کارگر	فوت همسر طلاق	دارد داشت	۱۵ ۱۱	۵	-	ناراضی	۳
۶	خانم ۴۵ آقا ۴۳	لیسانس لیسانس	خانه‌دار کارمند	فوت همسر فوت همسر	ندارد دارد	- ۸	۳ ۵	۴	راضی	۵
۷	خانم ۴۴ آقا ۴۸	ابتدایی سیکل	خیاط کارگر	فوت همسر طلاق	دارد دارد	۲۰ ۱۹	-	۸	راضی	۱۴
۸	خانم ۳۸ آقا ۳۷	لیسانس لیسانس	کارمند کارمند	طلاق طلاق	دارد دارد	۲ و ۸ ساله ۷	۹ ۱۰	-	راضی	۴
۹	خانم ۳۴ آقا ۳۳	لیسانس فوق لیسانس	آزاد کارمند	طلاق طلاق	دارد دارد	۲ ۴	۳ ۴	۲	راضی	۴
۱۰	خانم ۳۳ آقا ۳۶	دیپلم لیسانس	کارمند کارمند	ازدواج نکرده طلاق	ندارد ندارد	-	۰ ۱	۲	راضی	۳
۱۱	خانم ۴۳ آقا ۴۴	سیکل دیپلم	خانه‌دار کارگر	طلاق طلاق	دارد دارد	۱۴	۴ ۲	۳ و ۸	راضی	۹

مدت ازدواج مجدد	راضی یا ناراضی از ازدواج مجدد	سن فرزند از ازدواج مجدد	مدت ازدواج اول	سن فرزند از ازدواج اول	فرزند از ازدواج اول	علت ترک ازدواج قبلی	شغل	تحصیلات	سن	شرکت کننده
۴	راضی	-	۴ ۵	-	ندارد ندارد	طلاق طلاق	خانه‌دار آزاد	لیسانس کاردانی	خانم ۳۵ آقا ۳۸	۱۲
۴	راضی	-	۴ ۳	۱۰	دارد ندار	اعتیاد همسر طلاق	خانه‌دار آزاد	دیپلم دیپلم	خانم ۳۲ آقا ۳۶	۱۳
۳۰	راضی	۱۲ و ۱۸ و ۲۳	-	۲۷ -	دارد ندارد	فوت همسر طلاق	خانه‌دار کارگر	سیکل دیپلم	خانم ۵۵ آقا ۵۸	۱۴
۵	راضی	۱	۵	۱۵ ۱۸	دارد دارد	فوت همسر فوت همسر	خانه‌دار آزاد	دیپلم سیکل	خانم ۴۱ آقا ۵۲	۱۵
۴	راضی	۱	۰ ۳	-	ندارد داشت	ازدواج نکرده اعتیاد خودش	خانه‌دار کارگر	ابتدایی سیکل	خانم ۳۵ آقا ۴۰	۱۶
۳	راضی	-	- ۷	- ۵	ندارد داشت	ازدواج نکرده طلاق	کارمند کارمند	لیسانس لیسانس	خانم ۳۲ آقا ۳۶	۱۷
۳	راضی	۱	۲ ۳	-	ندارد ندارد	طلاق طلاق	خانه‌دار کارمند	لیسانس فوق لیسانس	خانم ۳۲ آقا ۳۵	۱۸
۳	راضی	-	۷ ۵	۱۰ و ۸ ۱۱ و ۷	دارد دارد	فوت همسر طلاق	کارمند نظامی	لیسانس لیسانس	خانم ۵۰ آقا ۵۳	۱۹
۷	راضی	۳	۷ ۴	۵ ۳	دارد دارد	طلاق طلاق	خانه‌دار آزاد	لیسانس لیسانس	خانم ۳۷ آقا ۳۶	۲۰
۴	راضی	۲	۶ ۵	۷ ۹	دارد دارد	طلاق/خیانت فوت همسر	خانه‌دار کارمند	لیسانس لیسانس	خانم ۳۵ آقا ۳۹	۲۱

اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان بر اساس جدول فوق نشان می‌دهد که در بین زوجین شرکت کننده، کمترین اختلاف سنی بین همسران، ۱ سال و بیشترین اختلاف سنی

۱۵ سال بود که جز در ۳ مورد، مردان از همسرشان بزرگ‌تر بودند. ۱۳ زوج صاحب فرزند از ازدواج مجددشان بودند و چهارده زوج صاحب فرزند از ازدواج اولشان بودند، هشت زوج هم از ازدواج اول و هم ازدواج مجددشان صاحب فرزند بودند. ۱۸ نفر از شرکت‌کنندگان، زندگی اول را به دلیل طلاق خاتمه داده بودند و ۱۵ نفر به خاطر فوت همسرشان، تنهایی را تجربه کرده بودند. ۹ نفر هم از این افراد خودشان ازدواج اول را تجربه می‌کردند ولی همسرشان دارای ازدواج مجدد بودند.

بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، چالش‌های زوجین دارای ازدواج مجدد و راهبردهای مقابله‌ای کارآمد زوجین موفق و دارای ازدواج مجدد رضایت‌مند در دو مقطع زمانی (در زمان انتخاب همسر جدید و در زمان زندگی جدید) دسته‌بندی می‌شوند؛ که در جداول شماره ۳ و ۲ آورده شد.

جدول شماره ۲. مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی چالش‌ها، مشکلات و راهبردهای مقابله‌ای

زوجین دارای ازدواج مجدد در زمان انتخاب همسر جدید

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
۱- تردید در تصمیم‌گیری نسبت به ازدواج مجدد	عدم تکرار اشتباهات گذشته، تحلیل سود و زیان ازدواج مجدد، ترس در انتخاب همسر، ترس از شکست مجدد
۲- عدم آشنایی اصولی	عدم تحقیق در مورد خواستگارهای شهردیگر، عدم تحقیق به خاطر اعتماد به معرف، اعتماد بی‌جا در زمان خواستگاری
۳- قضاوت و نگرش جامعه نسبت به ازدواج مجدد	محدودیت در دامنه انتخاب همسر، انگ اجتماعی، نگاه‌های منفی جامعه
۴- دخالت و برخورد منفی اطرافیان در مورد ازدواج مجدد	عدم حل مسائل به شیوه درست، دخالت اطرافیان در انتخاب همسر، چالش در طرح تصمیم به ازدواج مجدد به اطرافیان، سرزنش اطرافیان در انتخاب‌ها، فقدان رفتار منصفانه اطرافیان
۵- تأثیر فرزند در انتخاب همسر جدید	نگرانی از وضعیت فرزند تنی، محدودیت در ازدواج به واسطه فرزند حاصل از ازدواج اول، پذیرش فرزند؛ شرط ازدواج، تأثیر سن فرزند در ازدواج مجدد، ترس از ازدواج دوباره به خاطر فرزند، ترس از رفتار نامطلوب توسط ناپدری، ترس از عدم پذیرش فرزند توسط همسر جدید،
۶- عدم حمایت خانوادگی	مخالفت خانواده مبدأ با ازدواج مجدد، ترس خانواده از شکست در ازدواج مجدد، عدم رغبت خانواده‌ها نسبت به ازدواج مجدد،

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
الف-راهبردهای مقابله‌ای کارآمد فردی	بررسی علت طلاق از منظر همسر فرد مقابل، تمام کردن زندگی قبلی، استفاده از کتاب‌ها و فیلم‌های مشاوره‌ای، خودآشنایی مناسب در زمان انتخاب، بیان حساسیت‌ها و خط قرمزها، خودآگاهی
ب-راهبردهای مقابله‌ای کارآمد زوجی	عدم پنهان کاری، پذیرش نقاط ضعف و قوت همدیگر، اختصاص زمان مناسب برای آشنایی، انجام درست تحقیقات آشنایی، توافق بر سر مسائل آینده، مشورت با افراد با تجربه
ج-راهبردهای مقابله‌ای کارآمد خانوادگی	توافق بر سر ارتباط با فرزند ناتنی، بسترسازی مناسب خانواده برای ازدواج مجدد، حمایت روحی-روانی خانواده‌ها

مشکلات و چالش‌های ازدواج مجدد (در زمان انتخاب همسر جدید):

۱-تردید در تصمیم‌گیری نسبت به ازدواج مجدد:

تحلیل سود و زیان ازدواج مجدد:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: محاسبات می‌کردم تو ذهنم و میچرخه بعد بررسی می‌کردم چی را از دست دادم و چی به دست آوردم. این احساسات تو ذهنم میاد که خسارت دیدم یا ندیدم.

عدم تکرار اشتباهات گذشته:

مشارکت‌کننده شماره ۹: اغلب تجربه و درک پیگیری مسائلی قبلاً برام رخ داده بود و در حال حاضر باعث شده خیلی از اشتباهات و کارهای که قبلاً انجام شده و نتیجه بد داشته انجام ندهم و با توجه به شرایط اقتصادی حاکم تمام تلاشم را برای ساختن آرمان‌ها و اهداف زندگی مشترک فعلی انجام دادم.

ترس از شکست مجدد:

مشارکت‌کننده شماره ۶: اضطراب در زندگی مجدد خیلی زیاد است چون یک‌بار شکست خوردم و نمی‌خواهی آن شکست دوباره تکرار شود و خاطره این

شکست را فرد شکست خورده سال‌ها با خود به دوش می‌کشد. بزرگ‌ترین مشکل تکرار گذشته‌س، اینکه اتفاقی که تو قبل افتاده دوباره تکرار نشه بزرگ‌ترین مشکله،

ترس در انتخاب همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: هنگام انتخاب همسر دومم بسیار دچار ترس، دودلی و اضطراب شده بودم، چون من از ازدواج اولم یک فرزند داشتم و همسر اولم هم اعتیاد شدید داشت، این نگرانی همراه من بود که مبادا بازهم در ازدواجم شکست بخورم.

۲- عدم آشنایی اصولی

عدم تحقیق به خاطر اعتماد به معرف:

مشارکت‌کننده خانم شماره ۵: با دروغ آمده بود جلو و منم چون برادرم معرفی کرده بود دیگه زیاد اهمیت ندادم که بپرسم چرا از همسر اولت جدا شدی؟! پس انداز مالی برای آینده داری یا نه؟! هیچی نپرسیدم به هوای این که برادرم معرفی کرده.

عدم تحقیق در مورد خواستگارهای شهر دیگر:

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: ما همدان بودیم و شهر همسرم خرم‌آبادی. کسی را در خرم‌آباد نداشتیم که برود و پرس‌وجو کند در نتیجه به حرف‌های او اتکا کردیم و خودش هم گفته بود که فقط راست بگیم

اعتماد بی جا در زمان خواستگاری:

مشارکت‌کننده شماره ۵: شوهرم خیلی موارد را اصلاً به من نگفته بود اگر تمام این حرف‌ها را می‌گفت من هیچ‌وقت با او ازدواج نمی‌کردم. چون ما خودمان آدم‌های ساده‌ای بودیم و اهل دروغ نبودیم حرف‌هایش را باور کردیم

۳- تأثیر فرزند در انتخاب همسر جدید

نگرانی از وضعیت فرزند تنی:

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: هنگام انتخاب همسر دوم نگران بود که فرزندم ^{مرا} از زندگی سابق چه می‌شود؟

محدودیت در ازدواج به واسطه فرزند حاصل از ازدواج اول:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: حضور فرزندم برای ازدواج دوم مشکل بود. بسیار کیس‌های متعددی برای خواستگاریم می‌آمدند که ۹۰ درصد نظرشان این بود فرزندم را به پدر و مادرم بسپارم!

پذیرش فرزند، شرط ازدواج:

مشارکت‌کننده شماره ۵: اون آقا آمدند خواستگاری من، شرط من این بود که یک پسر دارم و او را هم با خودم می‌خواهم بیاورم. اگر پسر من را قبول می‌کنید من با شما حرف می‌زنم

تأثیر سن فرزند در ازدواج مجدد:

مشارکت‌کننده شماره ۶: شاید کسانی که فرزند بزرگ دارند مشکلات آنها نیز بیشتر خواهد بود چون کنار آمدن با آنها ممکن است بسیار سخت باشد ولی من در این مورد راحت‌تر بودم و همسر من نقش زیادی داشت.

ترس از حضور ناپدری:

مشارکت‌کننده شماره ۵: از این که ناپدری بلایی سر بچم بیارم می‌ترسیدم.

ترس از ازدواج دوباره به خاطر فرزند:

مشارکت‌کننده شماره ۵: من ۱۰ سال ازدواج نکردم، کلاً از ازدواج می‌ترسیدم چون یک پسر هم داشتم از ازدواج خیلی می‌ترسیدم.

ترس از رفتار نامطلوب توسط ناپدری:

مشارکت‌کننده شماره ۵: خب دغدغه اول ازدواج دوم دغدغه بچه هست. چون من دوست داشتم این آقایی که داره وارد زندگی من میشه و اون هم باخواست پسرم، یک پدر خوبی برای فرزند من باشه.

ترس از عدم پذیرش فرزند توسط همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۶: بیشتر در ازدواج دوم مشکل و ملاک من این بود که شخصی که می‌خواهد با من ازدواج کند، دخترم را پذیرا باشد. چون برای من دخترم بسیار مهم بود. در درجه اول پذیرا بودن دخترم بیشتر از خودم برام خیلی مهم بود. در کل در ازدواج دوم اگر یکی از طرفین بچه داشته باشد، مهم این است که بچه‌ات بیشتر در آرامش و آسایش باشد.

۴- قضاوت و نگرش جامعه نسبت به ازدواج مجدد:

انگ اجتماعی:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: یکی از مشکلات من در ازدواج دوم، حرف‌وحديث مردم بود. بعضی وقتا فکر می‌کنم به خاطر ترس از حرف مردم مجبوره خود واقعیش نباشه و خواسته قلبی خودشو نمیگه.

محدودیت در دامنه انتخاب همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: دامنه انتخاب همسریخاطر مسائل جامعه خیلی محدود بود.

نگاه‌های منفی جامعه:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: برجسب گذاری‌ها و نگاه‌های از پیش تعیین شده‌ای که در فضای جامعه ما وجود دارد نسبت فردی که یک‌بار ازدواج کرده و ازدواجش ناموفق بوده.

۵- دخالت و برخورد منفی اطرافیان در مورد ازدواج مجدد

عدم حل مسائل به شیوه درست:

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: وقتی مشکلاتمان را به اطرافیان می‌گفتم، اطرافیان ایشون حق رو به ایشون می‌دادند و اطرافیان من هم حق رو به من می‌دادند و این دخالت‌ها و دلسوزی‌های بی‌جاشون باعث می‌شد کدورت‌های بیشتری پیش بیاد.

دخالت اطرافیان در انتخاب همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۸: اطرافیانم می‌گفتند خیلی فرصت‌های بهتری داری و خیلی سعی کردند من را پشیمان کنند اما من قبول نمی‌کردم؛ اما بعد از ازدواج برخورد خاصی نداشتند.

چالش در طرح تصمیم به ازدواج مجدد به اطرافیان:

مشارکت‌کننده شماره ۵: بحث من این بود که چجوری در جامعه مطرح کنم که من دارم ازدواج می‌کنم به پسر چجوری بگم که من می‌خواهم ازدواج کنم و خیلی سخت بود.

فقدان رفتار منصفانه اطرافیان:

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: اطرافیانم چون با یک زن مطلقه طرف بودند مثل یک دختر مجرد با من برخورد نمی‌کردند و مهریه را خیلی کمتر در نظر می‌گرفتند؛ و نگاه مناسبی را نسبت به اتفاق ازدواج مجدد ندارند و طلاق در ذهنشون اتفاق خیلی نامیمون و نامبارکی هست.

سرزنش اطرافیان در انتخاب‌ها:

مشارکت‌کننده شماره ۱۵: اطرافیان سرزنش می‌کردند که مشکلاتی که برات به وجود اومده بسیار سخت بوده و با کسی ازدواج کن مجرد بوده است. اینجوری کمتر دلت شور آینه‌تو میزنه و چالش‌های زندگیت کمتر است.

۶- عدم حمایت خانوادگی

مخالفت خانواده مبدأ با ازدواج مجدد:

مشارکت‌کننده شماره ۵: دوتا از برادران خیلی ناراحت شدند و از وقتی که من ازدواج کردم با من قطع ارتباط کردن گفتن چرا ازدواج کرد. چرا خانه زندگی‌ات را ول کردی رفتی.

ترس خانواده از شکست در ازدواج مجدد:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: اولین مشکلم در ازدواج جدید مخالفت خانوادم بود. ازدواج بعدی رو که می‌خواستم انجام بدم نه، خانواده موافقت نمی‌کردند. پدرم که اصلاً موافقت نداشت و رضایتی نداشت و برادر بزرگم که مطلقاً رضایتی نداشت.

عدم رغبت خانواده‌ها نسبت به ازدواج مجدد:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: اما خانواده همسرم یک مقدار نسبت به اتفاقات طلاق خوش‌بین نبودند. خانواده همسرم به ازدواج مجدد هم خیلی راغب نبودند.

الف- راهبردهای مقابله‌ای کارآمد فردی در زمان انتخاب همسر جدید:

بررسی علت طلاق از منظر همسر فرد مقابل:

مشارکت‌کننده شماره ۳: در درجه اول از خانواده خانم و خود خانم تحقیق می‌کنم. "به چه دلیل جدا شدید؟"

تمام کردن زندگی قبلی:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: به نظر من اصلاً نباید به گذشته فکر کرد و باید تحقیق کرد و به نتیجه رسید برگشتن به گذشته باعث به وجود آمدن مشکل در زندگی می‌شود.

استفاده از کتاب‌ها و فیلم‌های مشاوره‌ای:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: از مطالعه کردن و دیدن فیلم‌های آموزشی، فیلم‌های مشاوره‌ای هم سعی کردم که غافل نباشم.

ب- راهبردهای مقابله‌ای کارآمد زوجی در زمان انتخاب همسر جدید: مشورت با افراد با تجربه:

مشارکت‌کننده شماره ۶: به نظرم باید با افرادی که تجربه دارند مشورت می‌کردیم.

توافق بر سر مسائل آینده:

مشارکت‌کننده شماره ۴: من فکر می‌کنم باید توافق و تفاهمه اتفاق افتاده باشه. ما طبق جدول جلو رفتیم و به این صورت بود که به توافق رسیدیم که من یکسری خدماتی را به ایشون میدم در گرو خدماتی رباشه که از ایشون طلب دارم یعنی ما تو اون جدول گذشت‌هایی رو داشتیم.

اختصاص زمان مناسب برای آشنایی:

مشارکت‌کننده شماره ۲: وقت کافی برای شناخت طرفین داشته باشیم، در مورد تمام مسائل حتی جزئی‌ترین آن‌ها صحبت کنیم به نظرم ازدواج موفق‌تری داریم.

انجام درست تحقیقات آشنایی:

مشارکت‌کننده شماره ۶: تحقیقات به‌طور اصولی انجام شد. با تحقیق بیشتر و آشنایی اولیه و محریمت مشکلاتمون حل شد.

صداقت و خودافشایی مناسب در زمان انتخاب:

مشارکت‌کننده شماره ۶: به نظر من صفر تا صد ویژگی خودش را آدم باید برای هم دیگر بگوید که هیچ موضوعی کتمان نماند که بعداً باعث دلخوری شود. من از اول همه‌چیز را برای همسر دومم تعریف کردم، چون با دروغ و پنهان‌کاری

نمی‌شود زندگی را آغاز کرد.

بیان حساسیت‌ها و خط قرمزها:

مشارکت‌کننده شماره ۴: طرفین مقابل چون بناست کنار هم زندگی کنند حساسیت‌ها و خط قرمزهایشان را در هر حوزه‌ای باید بیان کنند.

خودآگاهی:

مشارکت‌کننده شماره ۶: هر دو طرف به توانایی‌های فردی، جسمی، روحی، فرهنگی و اجتماعی خود توجه داشته باشند.

ج- راهبردهای مقابله‌ای کارآمد خانوادگی در زمان انتخاب همسر:

بسترسازی مناسب خانواده برای ازدواج مجدد:

مشارکت‌کننده شماره ۶: در ازدواج دومم بستر لازم را خانواده‌ام فراهم کردند تا با شناخت بهتری جلو روم.

حمایت روحی - روانی خانواده‌ها:

مشارکت‌کننده شماره ۲: حمایت‌هایی در ابعاد مختلف در مباحث مربوط به فضای روحی- روانی و فضاهای دیگر انجام دادند.

توافق بر سر ارتباط با فرزند ناتنی:

مشارکت‌کننده شماره ۸: اوایل از اخلاقیات و علایق و روحیات بچه‌ها گفته شد و این گفته شد که ارتباط با همسر سابق به خاطر بچه چگونه باید باشد و تا چه حد باشد.

جدول ۳: مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی چالش‌ها، مشکلات و راهبردهای مقابله‌ای زوجین دارای ازدواج مجدد در زمان زندگی زوجی جدید

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
۱- مشکلات روانی	نشخوار خاطرات، عدم سازگاری فرزندان پس از طلاق، ترس از مقایسه توسط همسر،

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
ناشی از ازدواج قبلی	کاوش در علت جدایی، مقایسه ذهنی همسر جدید با قدیم، تحریف شناختی از نوع تعمیم افراطی، مغایرت جنس روابط گذشته و حال، مقایسه سبک زندگی جدید و قدیم، بی‌اعتمادی در رابطه، نشخوارفکری و دل‌مشغولگی، شکاکیت همسر، ترس از جایگزینی
۲- تعارضات والد-فرزندی	ناتوانی در مدیریت روابط سه‌گانه، عدم توانایی در حل تعارض فرزند و همسر، سبک‌های تربیتی متفاوت، توجه به تفاوت‌های اخلاقی و شخصیتی فرزندان، تعارض فرزند با همسر، مشکلات مربوط به نگهداری فرزند، دشواری در پذیرش والد ناتنی توسط فرزندان، تأثیرات منفی همسر روی فرزند.
۳- اختلافات فرزندان ناتنی	ناسازگاری بین فرزندان
۴- عدم همراهی خانوادگی در زندگی جدید	عدم حمایت خانواده در خلال زندگی، عدم حمایت خانواده همسر، ترس از قضاوت خانواده همسر
۵- انتظار جبران گذشته در زندگی جدید	انتظارات همراه با نشخوارهای فکری، انتظار توجه به حال و اکنون، انتظارات ایدئال‌گرایانه
۶- تأثیر فرزند در روابط زوجی	اجتناب همسر از حضور فرزند ناتنی در خانه، نگرانی از تحریک فرزند توسط همسر سابق، چالش در برقراری روابط صمیمانه به خاطر حضور فرزند بالغ، فرزندان عامل سردی روابط
۱- راهبردهای مقابله‌ای کارآمد فردی	اجتناب از باورهای کلیشه‌ای، آگاهی از شیوه حل مسئله، حفظ آرامش و کنترل خشم، برخورداری از صبر و بردباری، مثبت‌نگری، تمرکز بر زندگی خود، مهارت کنکاش نکردن در زندگی گذشته، عبرت از گذشته
۲- راهبردهای مقابله‌ای کارآمد زوجی	گرایش به مدیریت رابطه، ابراز همدردی با همسر، مدیریت زوجی مشکلات در ازدواج مجدد، توجه به فردیت طرف مقابل، عدم برخورد هیجانی در زمان مشکلات، گفتگو در مورد مسائل، همفکری و مشورت با همسر، توافق و تفاهم بر سر مسائل، درک متقابل، درک کردن شرایط موجود، عدم مقایسه زندگی جدید با قدیم، مهرورزی و ابراز علاقه مناسب، زندگی عاشقانه با وجود مشکلات، توجه به ارزش‌ها و نیازها و سلايق همسر، اختصاص وقت برای همدیگر، آگاهی از حقوق فردی، داشتن اوقات فراغت و تفریح مشترک، حفظ تعادل رفتاری، تلاش برای حفظ رابطه در حالت ایدئال، متعهد بودن، عدم ارتباط با همسر سابق، مدیریت رابطه زوجی در اوایل زندگی با وجود فرزند،
۳- راهبردهای مقابله‌ای کارآمد خانوادگی	ایجاد حدود مرزها با خانواده‌های مبدأ، حل مشکلات بدون مثلث‌سازی، تقسیم وظایف کارهای منزل، عدم تقسیم وظایف برحسب جنسیت، توجه به نقش‌ها و مسئولیت‌ها

چالش‌ها و مشکلات ازدواج مجدد (در طول زندگی جدید):

۱- مشکلات روانی ناشی از ازدواج قبلی:

نشخوار خاطرات:

مشارکت‌کننده شماره ۲: شخص خاطراتی با طرف مقابل داشته است مدتی با هم زندگی کرده‌اند

عدم سازگاری فرزندان پس از طلاق:

مشارکت‌کننده شماره ۸: دختر هم به خاطر طلاق من از مادرش پرخاشگر شده بود و با رفتارهایش بهانه مادرش را می‌گرفت با همین پرخاشگری‌ها اوایل زندگی خیلی سخت بود اما چون الآن بزرگ‌تر شدن بهتر شده و بچه‌ها باهم انس گرفتند

ترس از مقایسه توسط همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: الآن پیش خودم دوست دارم جووری زندگی کنم و برای همسرم طوری باشم که از همسر سابقش بهتر باشم که هیچ‌وقت به یاد کوچک‌ترین مسائلی که با همسر قبلی‌اش داشته نیوفته

ترس از مقایسه ذهنی همسر جدید با قدیم:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: خیلی اوقات ذهنم در فضای زندگی مجدد درگیر مقایسه همیشه و اخلاقیات، رفتار و خصوصیات همسر فعلی‌ام را که در ازدواج مجدد با او ارتباط هستم را با همسر سابقم مقایسه می‌کند. طرف مقابلی که وارد زندگی تو می‌شود نکند مثل آن فرد طلاق گرفته باشد و دائم این مقایسه پیش می‌آید و زندگی را تهدید می‌کند.

کاوش در علت جدایی:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: اینکه بخواهیم مدام به این فکر کنیم که هر رفتاری که از همسرم در زندگی مجدد سر می‌زند بخواهم این را حمل بر این بکنم که بله به

خاطر همین همسر اولش طلاقش داده.

تفاوت (مغایرت) جنس روابط گذشته و حال:

مشارکت‌کننده خانم شماره ۲۰: در زندگی اول واقعاً این خصوصیت وجود دارد که نگاه به مسائل خیلی ساده‌تر است، روابط خیلی دوستانه‌تر و صمیمانه‌تر است، اگرچه آن رابطه را نتوانی مدیریت کنی ختم به جدایی می‌شود؛ اما نکته‌ای که وجود دارد این است که اصلاً جنس صمیمیت و جنس رفتارها که در زندگی اول وجود دارد متفاوت از زندگی دوم است،

تحریف شناختی از نوع تعمیم افراطی:

مشارکت‌کننده شماره ۱۸ من فکر می‌کنم که تمام خانم‌ها نظرشون این هستش وقتی ازدواج می‌کنند و از همسری بچه‌دار میشن اگر به هر دلیلی اون زندگی رو از دست بدن هیچ‌وقت لذت حقیقی و زیبایی زندگی اول رو فراموش نمی‌کنند با تمام مشکلاتی که می‌تونست برایشون داشته باشه.

مقایسه سبک زندگی جدید و قدیم:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: تصورات و مقایسه کردن فضای زندگی جدید با زندگی قبل هست که این به شدت وجود دارد در واقع من خودم حس کردم این تصورات مدام در ذهن من می‌آمد.

بی‌اعتمادی در رابطه:

مشارکت‌کننده شماره ۲ یک سری بدبینی‌هایی خواه‌ناخواه بر ایمان ایجاد شده یعنی بزرگ‌ترین مشکل این بود از همسر اولم مشکلاتی دیده بودم آسیب‌هایی متحمل شدم و ایشان هم همین‌طور.

نشخوار فکری و دل‌مشغولی:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: برای افرادی که همسرشان فوت کرده خیلی کار

راحت‌تر پیش خواهد رفت تا افرادی که همسرشان جدا شده است. افرادی که طلاق می‌گیرند همیشه آدم یک احساس ناامنی باهاشون داری هر کاری که میکنه میگی حتماً قبلاً هم این کار رو می‌کرده و همش به خودت میگی نکنه این اشتباه دائم تکرار شده که این زن گذاشته و رفته در صورتی که همین نگرانی باعث میشه که ما به اشتباه میریم

شکاکیت همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۵: همسرم خیلی هم آدم شکاکی بود و خیلی کنترل می‌کرد، زنگ می‌زد به تلفن‌خانه و اگر جواب نمی‌دادم زنگ به گوشی می‌زد و می‌گفت کجایی.

ترس از جایگزینی:

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: اگر همسرم قبلاً ازدواج نکرده بود برای من راحت‌تر بود چون خودم رو به‌عنوان یک جایگزین فرد دیگری احساس نمی‌کردم.

۲- تعارضات والد- فرزند

ناتوانی در مدیریت روابط سه‌گانه:

مشارکت‌کننده خانم شماره ۵: من اون طوری که باید، نمیتونستم حرفم را به شوهرم و پسر من منتقل کنم. طرف شوهرم را می‌گرفتم با پسر من بحث می‌شد، طرف پسر من می‌رفت با شوهرم بحث می‌شد

توجه به تفاوت‌های اخلاقی و شخصیتی فرزندان:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: خلاقیتی که بچه‌ها دارند فرزند من دارد با فرزندان همسرم خیلی متفاوت است رویکردهایشان، فضای عاطفی‌شان از هم دیگر متفاوت است.

عدم توانایی در حل تعارض فرزند و همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۵: حدود ۵۰ درصد از دلایل طلاقم به خاطر پسر بود! پسر بزرگ شده بود شوهرم نمی‌توانست در خانه تحملش کند. شوهرم می‌گفت پسرت برود بیرون کار کند و خانه نیاید. خب من هم نمی‌توانستم پسر را از خودم جدا کنم.

سبک‌های تربیتی متفاوت:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: در رابطه با دخترم خودم می‌دونستم که باید چگونه حجاب داشته باشه یا با چه جور دوستانی در ارتباط باشه اما الان علاقه همسرم هم اعمال میشه مثلاً من معتقد هستم که الان زود برای آشنی کردن دخترم یا معتقدم باید چنین حجابی باید داشته باشه اما همسرم معتقد هستند که از الان باید آشنی رو شروع کنه این چالش بزرگ هستش که ما سلیقه هامون خیلی باهم متفاوته.

تعارض فرزند با همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۵: پسر بزرگ شده بود شوهرم نمی‌توانست در خانه تحملش کند.

مشکلات مربوط به نگهداری فرزند:

مشارکت‌کننده شماره ۱۷: نگهداری فرزندم به عهده همسر قبلیمه و من موظف به پرداخت هزینه‌های اون هستم بعضی وقتا همسرم منو درک نمیکنه چون در موقع ازدواج با من بچه‌ای نداشت ولی در کل وجود بچه برای ازدواج مجدد همیشه محدودیت‌هایی رو ایجاد میکنه هم برای زن هم برای مرد.

دشواری در پذیرش والد ناتنی توسط فرزندان:

مشارکت‌کننده شماره ۱۵: کار بسیار سختی بود بچه‌ها خیلی سخت کنار او آمدن با همسر جدیدم. چون با روش دیگری بزرگ شده بودند و خیلی طول کشید تا با هم رفیق بشن ولی نمی‌توانستن کسی به جای پدر یا مادرشان ببینند.

تأثیرات منفی همسر روی فرزند:

مشارکت‌کننده خانم شماره ۵: ولی با شوهرم که ازدواج کردم آدم بددهن و عصبانی بود و تأثیر منفی زیادی روی پسرم گذاشت.

۳- ناسازگاری بین فرزندان:

اختلافات فرزندان ناتنی:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: بین یکی از بچه‌های این آقا مشخص شد که هماهنگی بین این فرزند با فرزندان من و همچنین خودم برقرار میشه ولی بین فرزند کوچک‌ترین آقا با من و فرزندانم هماهنگی برقرار نخواهد شد و گفتند که این بچه با شما سازگاری نداره.

۴- عدم همراهی خانواده در زندگی جدید:

عدم حمایت خانواده در خلال زندگی:

مشارکت‌کننده خانم شماره ۵: مشورت می‌گرفتم از خواهرم و داداشم، آن‌ها هم همیشه طرف شوهرم را می‌گرفتند.

عدم حمایت خانواده همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۳: خانواده همسرم ایشان را، با اتفاقات و اقداماتی که باید انجام می‌دادند، خیلی همراهی نمی‌کردند.

ترس از قضاوت خانواده همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: سعی کردم که سازگاری‌ام را بیشتر کنم، مبادا از جانب همسر دومم و یا حتی خانواده ایشان اختطاری به من برسد و یا مورد تذکر و توهین قرار بگیرم. مثلاً مدام این جمله در ذهن من تکرار می‌شود که مبادا کاری کنم که به من بگویند اگر خوب بودی شوهر سابقت طلاق نمی‌داد.

۵- انتظار جبران گذشته در زندگی جدید:

انتظارات همراه با نشخوارهای فکری:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: افرادی که ازدواج دوم دارند آنگه جوان باشند ممکن است بیشتر خودشان را در نظر بگیرند که من چی میشم؟ احساساتم چه می‌شود؟ آیا این آقا مشکلات گذشته من را جبران می‌کند؟ آیا این آقا منو دوست داره.

انتظار توجه به حال و اکنون:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: انتظار من این هستش که افکار گذشته‌اش رو کنار بنداره- فکر و نظر دیگران رو کنار بنداره و بیاد بشینه زندگیش رو بکنه؛ یعنی افرادی که ازدواج مجدد دارند باید خودشان باشند و بچه‌ها و دنبال پاسخ دادن به جواب سؤال دیگران نباشند که حاشیه درست بشه.

انتظارات ایدئال گرایانه:

مشارکت‌کننده شماره ۶: در ازدواج دوم انتظار داشتم یکسری چیزهایی که همسر اولش نداشته است یا داشته ولی خوشایند نبوده را نداشته باشد و بهتر باشد.

۶- تأثیر فرزند در روابط زوجی:

اجتناب همسر از حضور فرزند ناتنی در خانه:

مشارکت‌کننده شماره خانم شماره ۵: شوهرم می‌گفت پسرت برود بیرون کار کند و خانه نیاید.

نگرانی از تحریک فرزند توسط همسر سابق:

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: هنگام انتخاب همسر دومم بسیار نگران بودم که همسر سابقم حتی فرزندم را تحریک کند که برای من و یا همسر دومم مشکلی ایجاد کند؟.

چالش در برقراری روابط صمیمانه به خاطر حضور فرزند بالغ:

مشارکت‌کننده شماره ۵: هم پسر در سن بلوغ بود و خب شوهرم هم چون تازه ازدواج کرده بودیم دوست داشت با زنش راحت باشه و بگه بخنده.

فرزندان عامل سردی روابط:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: واقعاً خود فرزندان می‌توانند کارهایی انجام دهند که این رابطه خودش به سمت سرد شدن برود

راهبردهای مقابله‌ای کارآمد فردی در زمان زندگی جدید:

اجتناب از باورهای کلیشه‌ای:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: باید بتونیم این پس زمینه‌های ذهنی نادرست را از خودمان دور کنیم مثلاً اینکه نگاه منفی که نسبت به خانم‌های مطلقه وجود دارد را اصلاح کنیم درواقع بتوانیم به نوعی نگاه بکنی که با واقعیت قضیه جور باشد.

آگاهی از شیوه حل مسئله:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: قبل از ازدواج مشاوره‌ای که داشتیم خیلی اثرگذار بود. در حقیقت به ما یک جدول زندگی دادند و به ما گفتند شما تو زندگی یکسری کمبودهایی را خواهید داشت و راهکارهایی برای حل مشکلات به ما دادند که باید چه جوری این مشکلات را از بین ببریم.

حفظ آرامش و کنترل خشم:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: در مواقع مختلف سعی کردم که آرامش خودم را حفظ کنم؛ جایی که نباید عصبانیت ازم سر می‌زد سعی می‌کردم آرامش خودم را حفظ کنم.

برخورداری از صبر و بردباری:

مشارکت‌کننده شماره ۳: در رابطه با زندگی جدید خودم باید بگم که خیلی زیاد

نیاز به صبر است.

توکل به خدا در مشکلات:

مشارکت‌کننده شماره ۴: حتی در بدترین زندگی. می‌خواهم اینو بگم که حتی اگر هزاران مشکل هم داشته باشی وقتی توکلت به خدا باشه، صبر و اخلاقی که خدا بهت بده مطمئناً همش حل میشه.

مثبت‌نگری:

مشارکت‌کننده شماره ۴: اگر زندگی هم مورد اختلافی توش پیدا میشه همیشه از دریچه منفی نگاه نکنند. اولش از دریچه مثبت نگاه کنم.

تمرکز بر زندگی خود:

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: مسئله خیلی مهم هست آینه که نمیگم خانواده‌ها رو کنار بگذارند اما باید قید کنند مال هم باشند ذهنشون را از همه‌جا ببرند، حرف این و اون و دخالت خانواده‌ها را کنار بگذارند تا بتوانند به راحتی زندگی کنند.

عبرت از گذشته:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: بخصوص صبر کردن را واقعاً با خودم تمرین کردم. و این را در واقع مؤثر می‌دانم در زندگی جدیدم و شاید نقطه ضعفم در زندگی قبلم بود.

مهارت کنکاش نکردن در زندگی گذشته:

مشارکت‌کننده شماره ۷: داشتن مهارت کنکاش نکردن در زندگی گذشته، گذشته را پیگیری نکردن، مهم است.

راهبردهای مقابله‌ای کارآمد زوجی در زمان زندگی جدید:

گرایش به مدیریت رابطه:

مشارکت‌کننده شماره ۸: هر حرفی هم که می‌شنیدم سعی می‌کردم واکنش نشان ندهم، ترجیح من این بود که زمان خودش همه چیز را ثابت کند.

ابراز همدردی با همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۸: سعی می‌کنم اون لحظه‌ای که ناراحتی یا عصبانیه باهاش هم‌عقیده بشم و ابراز همدردی کنم تا متوجه بشه در نقطه مقابلش قرار ندارم.

مدیریت زوجی مشکلات در ازدواج مجدد:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: توانستیم تا حدودی این مشکلات را به همراه همدیگر مدیریت کنیم چون همسرم دقیقاً مثل مسائل من را داشت.

توجه به فردیت طرف مقابل:

مشارکت‌کننده شماره ۶: در بعضی از اوقات ممکن است حرف نزنند یا چیزی نخورند و این دلیل نمی‌شود که با من مشکل داشته باشند و شاید در آن لحظه به من فکر نمی‌کرد و نباید نسبت به هم حساس شوند.

مواجهه منطقی با مسائل:

مشارکت‌کننده شماره ۴: من فکر می‌کنم اگر فکر کردن، منطق و اینهارو در زندگی به کار ببرم. اختلافات حل می‌شود.

همفکری و مشورت با همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۱۶: در حال حاضر یک زندگی نسبی دارم که در تمام موارد با همسرم مشورت می‌کنم

عدم برخورد هیجانی در زمان مشکلات:

مشارکت‌کننده شماره ۴: خیلی دیر عصبانی میشم یا اصلاً عصبانی نمیشم.

گفتگو در مورد مسائل:

مشارکت‌کننده شماره ۶: زمان‌هایی که مشکلی برایمان پیش می‌آید یا پیش می‌آید، با همسرم صحبت می‌کنم تا بتوانیم مشکلاتمان را حل کنیم تا اتفاق خاصی پیش نیاید.

توافق و تفاهم بر سر مسائل:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: در مورد خیلی از چیزها که با هم اختلاف نظر داریم سعی می‌کنم از خواسته‌ام صرف نظر کنم تا اختلاف جدیدی رو ایجاد نکنم.

درک متقابل:

مشارکت‌کننده شماره ۲: مهم این است که دو طرف یکدیگر را درک کنند و وقتی کنار هم هستند از زندگی لذت ببرند.

درک کردن شرایط موجود:

مشارکت‌کننده شماره ۱۰: در زندگی در هر لحظه و مکان احتمال ایجاد تنش و عدم توافق رفتاری و فکری باعث ایجاد التهاب میشن و من با درک این قضیه سعی در کوتاه اومدن و درک شرایط به وجود آمده می‌نمایم.

عدم مقایسه زندگی جدید با قدیم:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: نباید می‌گفتم تو چقدر حقوق می‌گیری من چقدر حقوق می‌گیرم بعدها فهمیدم که این مسائل باعث جدایی بین منو اون می‌شود و دیگر این مسائل رو مطرح نکردم.

مهرورزی و ابراز علاقه مناسب:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: مسئله بعدی که واقعاً تأثیرگذار بود در شکل‌گیری این زندگی جدید به نحو احسن این بود که خاصیت مهرورزی و بروز و ابراز علاقه را توانستم در خودم نسبت به زندگی اولم کاملاً درش تغییر ایجاد کنم.

زندگی عاشقانه با وجود مشکلات:

مشارکت‌کننده شماره ۲: تا الآن برقرار اولیه باقی ماندیم که اگر مشکلی آمد بقیه جوانب زندگی درگیر نشود و عشق اولیه و مهر و رفاقت و صلح با وجود مشکل ضربه نخورد.

توجه به ارزش‌ها، نیازها و سلیق همسر:

مشارکت‌کننده شماره ۶: مقدار اهمیت دادن به مسائلی که ممکن است برای من خیلی تفاوت چندانی نکند اما برای طرف مقابلم در زندگی ممکن است خیلی اهمیت دارد و به سلیقه‌هایی که داره احترام می‌گذارم.

اختصاص وقت برای همدیگر:

مشارکت‌کننده شماره ۲۰: برای زندگی مان وقت می‌گذاریم.

آگاهی از حقوق فردی:

مشارکت‌کننده شماره ۶: خانم و آقا به حق و حقوقشان واقف باشند که طرفین وقتی وارد زندگی شدند نباید حتماً خودشان را فرشته نجات بدانند باید آگاهانه و تیزبینانه تصمیم بگیرند.

داشتن اوقات فراغت و تفریح مشترک:

مشارکت‌کننده شماره ۲: با هم به بیرون می‌رویم و تفریح داریم.

حفظ تعادل رفتاری:

مشارکت‌کننده شماره ۶: بستگی به خود فرد دارد اگر طبیعی رفتار کنیم. وقتی من با همسر و فرزندم بیرون می‌رویم کسی متوجه نمی‌شود که زندگی مجددی را آغاز کردیم یا بچه برای من نیست.

تلاش برای حفظ رابطه در حالت ایدئال:

مشارکت‌کننده شماره ۲: الگوی ارتباطی بین من و همسر به این شکل است از ابتدا با هم قرار گذاشتیم چیزی این ارتباط را دست‌خوش تغییری نکند.

پذیرش نقاط ضعف و قوت همدیگر:

مشارکت‌کننده شماره ۴: پذیرش ایرادات و نقطه‌ضعف‌ها و تقویت نقطه مثبت هم و اینکه همسر همون جور که بود و هست قبولش کردم.

عدم پنهان‌کاری:

مشارکت‌کننده شماره ۲: بزرگ‌ترین حساسیت من مخفیانه بودن موارد بود؛ و دلم نمی‌خواست مخفی‌کاری‌ها کار دست ما بدهد.

متعهد بودن:

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: تعهدی به هم دادیم و بر اساس همان تعهد جلو رفتیم.

عدم ارتباط با همسر سابق:

مشارکت‌کننده شماره ۱: من هیچ‌گونه ارتباطی با همسر اول ندارم و زندگی آرامی دارم

راهبردهای مقابله‌ای کارآمد خانوادگی در زمان زندگی جدید:

ایجاد حدود مرزها با خانواده‌های مبدأ:

مشارکت‌کننده شماره ۱۶: یکی از اشتباهات من در زندگی اولم این بود که

اجازه دادم خانواده‌ها دخالت کنند ولی سعی کردم در ازدواج دوم کنترل بیشتری بر خود داشته باشم و محترمانه جوری برخورد کنم که خانواده‌ها دخالت نکنند. هنگام اختلافات آرام باشم و با همسر صحبت کنم.

حل مشکلات بدون مثلث سازی:

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: در ازدواج دوم توقع نسبت به اطرافیان خیلی کمتر میشه و اینکه اختلافات و چالش‌هایی که بین خودم و همسرم پیش میاد رو سعی می‌کنم بدون واسطه‌ها حل کنم و خودم حل و فصل کنم.

تقسیم وظایف کارهای منزل:

مشارکت‌کننده شماره ۲: مطابق با حضور و غیاب ایشان خرید را انجام می‌دهیم اگر باشند با هم خرید می‌کنیم و اگر نباشند با فرزندم مایحتاج را فراهم می‌کنیم.

عدم تقسیم وظایف بر حسب جنسیت:

مشارکت‌کننده شماره ۶: خانم‌ها یادشان باشد هر کاری مردانه و آقایان هم بدانند هر کاری زنانه نیست و کارها را به دوش هم نیندازند و تقسیم وظایف کنند مشکلی پیش نخواهد آمد.

توجه به نقش‌ها و مسئولیت‌ها:

مشارکت‌کننده شماره ۱۲: اما هر چالشی، فکری می‌خواهد که بتوان با آن مدیریت کرد. مثلاً مسئله‌ای مثل محبت به فرزندان، چه طور باید این محبت را تقسیم کنیم بین فرزندان.

بحث و نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر باهدف شناسایی مشکلات و چالش‌های زوجین دارای ازدواج مجدد و راهبردهای مقابله‌ای زوجین دارای ازدواج مجدد بر اساس تجارب زیسته این زوجین انجام گرفت. مقوله‌های اصلی پدیدار شده در زمینه چالش‌های زوجین دارای ازدواج مجدد در

مقطع زمانی انتخاب همسر جدید شامل ۶ مقوله اصلی؛ ۱- تردید در تصمیم‌گیری نسبت به ازدواج مجدد ۲- عدم آشنایی اصولی ۳- قضاوت و نگرش جامعه نسبت به ازدواج مجدد ۴- دخالت و برخورد منفی اطرافیان در مورد ازدواج مجدد ۵- تأثیر فرزند در انتخاب همسر جدید ۶- عدم حمایت خانوادگی بود. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پیشین؛ همانند هوا (۲۰۲۰)، یکله و همکاران (۱۳۹۸)، (مزارعی فرد و هنرپروران، ۱۳۹۶)، حاتمی و رزانه و همکاران (۱۳۹۵)، رضانی و همکاران (۱۳۹۵)، رحیمی (۱۳۹۴)، آدلر، هیگینیوتام (۲۰۰۴)، الیوت^۱ (۱۹۹۷)؛ فاکس و شاینر (۲۰۱۴) همسو و همخوان است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان این‌گونه گفت که هر گونه تلاش برای استحکام بخشی روابط همسران و حفظ و صیانت آن‌ها از آسیب‌های احتمالی و به ویژه ناسازگاری زناشویی، مستلزم توجه به اصول و مقدماتی است که ازدواج بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد. بر این اساس اختصاص زمانی برای خودشناسی و دیگر شناسی از طریق جلسات مشاوره و تحقیقات محلی در مورد خواستگار مورد تأکید است. در پژوهش حاضر همسو با پژوهش (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۷) نشان داده شد که هرچقدر افراد در زمان انتخاب همسر کفویت بیشتر باشد و به اشتراکات و تشابهات بیشتر توجه شود، انتخاب مناسبی خواهیم داشت. در مورد ازدواج‌های مجدد زوجین، از دست دادن شریک قبلی، به‌خودی‌خود، ممکن است آسیب‌زا باشد، اما برای بسیاری، هویت و خودپنداره را نیز تهدید می‌کند. پس از یک شکست، شکست‌های بیشتر شروع به از پا درآوردن یک فرد به‌عنوان یک فرد بازنده می‌کنند (گوتینگ^۲، ۱۹۸۲). پیامد این امر این است که افراد در ازدواج دوم اغلب آمادگی پذیرش ریسک‌هایی را که در ازدواج اول انجام داده‌اند، ندارند و آمادگی ندارند خود را آسیب‌پذیر کنند. این ممکن است تا حدی به معنای عقب کشیدن باشد و برای فرد گزینه‌های بیشتری را فراهم کند (پترسون، ۱۹۹۵). در پژوهش فاکس و شرینر (۲۰۱۴) هم موضوع اصلی که از شرکت‌کنندگان شنیده شد ترس آن‌ها از تجربه

1. Elliott, R.
2. Goetting, A

مکرر زناشویی بود، ترسی که هم‌زمان با میل به ایجاد یک ازدواج عاشقانه وجود داشت. افراد مطلقه، در تلاش برای یادگیری از اشتباهات گذشته و جلوگیری از تکرار شکست‌های قبلی زناشویی، ممکن است با چنان احساسات عاطفی بالایی ازدواج مجدد کنند که باعث تشویش و اضطراب دل‌بستگی شده و بدین ترتیب سیستم دل‌بستگی را فعال کرده و موانعی را برای ایجاد رابطه‌ای ایمن ایجاد می‌کند (فاکس و شریئر ۲۰۱۴). رضمانی و همکاران (۱۳۹۵) این‌گونه نتیجه گرفتند که ازدواج مجدد برای زنان مطلقه انتخابی پیچیده است و عوامل متفاوت بر این انتخاب تأثیرگذار است. تجربه ازدواج مجدد در میان زنان مطلقه از شرایط مختلفی اثر می‌پذیرد که بنیادی‌ترین عامل اثرگذار بر این تجربه، حمایت خانواده است. حمایتی که در صورت انجام نگرفتن، زنان را در شرایطی بحرانی قرار می‌دهد و هر نوع تصمیم‌گیری در ازدواج مجدد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. این افراد برای ازدواج دوباره اگر حمایت‌های خانواده خود و همسرشان را داشته باشند، احساس امنیت و رضایت بیشتری می‌کنند، گویا این حمایت مهر تأییدی بر تصمیم ایشان است و عدم حمایت خانواده و دوستان با شادی زناشویی پایین در همسران دوم در خانواده‌های ناتنی ارتباط دارد. (آدلر، هیگینیوتام، ۲۰۰۴). همچنین هر خانواری که مجدداً ازدواج می‌کند در معرض دخالت حداقل دو خانواده دیگر است. اگر خانواده گسترده را در این معادله قرار دهیم، وضعیت تقریباً غیرقابل مدیریت می‌شود. پدر و مادر همسر سابق اغلب نسبت به همسر سابق پسر یا دخترشان سختگیر و گاهی اوقات متخاصم می‌شوند، اما با این وجود به واسطه رابطه با نوه‌ها با آن‌ها ارتباط پیدا می‌کنند. بسیاری از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به خاطر عدم دسترسی به نوه‌های خود پس از طلاق به شدت ناامید می‌شوند. حتی عمه‌ها و عموها هم در انتخاب فرد تأثیرگذار هستن و هر یک از این افراد نماینده فشاری برای زوجی است که قصد دارد دوباره ازدواج کند. از طرفی همسو با تحقیق حاضر که نشان داده است باورهای کارآمد اجتماعی موجب تسهیل ازدواج می‌شوند، باورهای ناکارآمد اجتماعی موجب بازداری از ازدواج مجدد می‌شوند. مطالعه رحیمی (۱۳۹۴) نیز نشان داده است که هرچه پذیرش اجتماعی ازدواج مجدد بیشتر باشد زنان

تمایل بیشتری برای ازدواج مجدد داشته‌اند. شواهد ثابتی هم برای عدم‌حمایت فرهنگی اجتماعی و هم برای عدم نظر مثبت در مورد ازدواج مجدد و خانواده‌های نامادری ارائه شده است. مقوله اصلی دیگر در تجربه ازدواج مجدد افراد مطلقه، تأثیر فراوان فرزند از ازدواج قبلی در این تجربه بود که می‌تواند به شکل‌های گوناگون خود را نشان دهد. وجود فرزند از ازدواج قبلی، به‌تنهایی می‌تواند مانع ازدواج این زنان باشد. بسیاری از زنان به دلیل نگرانی برای فرزند خود و ترس از آسیب او پس از ازدواج مجدد، از ازدواج دوری می‌کنند و حق طبیعی خود را فراموش می‌کنند (قوی‌پنجه، ۱۳۹۶). نتایج هوا (۲۰۲۰) نشان داد که بهزیستی کودک در خانواده‌های مختل و ازدواج مجددی نسبت به خانواده‌های عادی کمتر است. مثلاً اگر به‌ویژه هر دو والدین ازدواج مجدد داشتند، آسیب بیشتری به بهزیستی کودکان وارد شده بود.

و در مقطع زمانی زندگی زوجی جدید مقوله‌های اصلی استخراج‌شده در زمینه چالش‌های زوجین دارای ازدواج مجدد ۶ مقوله اصلی؛ ۱- مشکلات روانی ناشی از ازدواج اول ۲- تعارضات والد- فرزند ۳- اختلافات فرزندان ناتنی ۴- عدم همراهی خانوادگی در زندگی جدید ۵- انتظار جبران گذشته در زندگی ۶- تأثیر فرزند در روابط زوجی به دست آمد؛ که نتایج این بخش از پژوهش با برخی از یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده داخلی و خارجی؛ از جمله در زمینه مشکلات روان‌شناختی ازدواج سابق (رالی و سوئینی ۲۰۲۰؛ ویشر و ویشر، ۲۰۰۳؛ الیوت، ۱۹۹۷؛ هارتین، ۱۹۹۰). استفاده از تجربیات اولیه در زندگی جدید (یکله و همکاران، ۱۳۹۷)، تعارضات والد- فرزند (خشنودی و همکاران، ۱۳۹۸؛ جنسن و هوارد^۱، ۲۰۱۵؛ جنسن و شافر^۲، ۲۰۱۳؛ کینگ، اماتو و لینداستورم، ۲۰۱۵؛ کینگ، بادی و تورسن^۳، ۲۰۱۵؛ گانونگ، کلمن و جامیسون^۴، ۲۰۱۱؛ کالمیجن، ۲۰۱۳؛ کینگ، تورسن و اماتو^۵، ۲۰۱۴)، انتظارات واقع بینانه (رضاپورمیرصالح،

-
1. Jensen, T. M., & Howard, M. O.
 2. Jensen, T. M., & Shafer, K.
 3. King, V., Boyd, L. M., & Thorsen, M. L.
 4. Ganong, L. H., Coleman, M., & Jamison, T.
 5. King, V., Thorsen, M. L., & Amato, P. R.

سقاچی فیروزآبادی وامینی، ۱۴۰۰؛ کمبل، ۲۰۱۲؛ هیگن بوتام و آدلر بیدر، ۲۰۰۸؛ کولمن و گانونگ^۱، (۲۰۱۸)، تأثیر فرزند در روابط زوجی (الیوت، ۱۹۹۷؛ یکله و همکاران، ۱۳۹۸؛ محمدی و محمدی، ۱۳۹۸) (تأثیر خانواده‌ها و اطرافیان، پنگ، ۲۰۱۶؛ یائوجی، ۲۰۱۰) همسو است.

این یک واقعیت غیرقابل اجتناب است که حداقل یکی از همسرانی که مجدداً ازدواج کرده‌اند (و اغلب هر دو) روند جدایی از شریک قبلی را پشت سر گذاشته‌اند. این امر پیامدهایی عملی و عاطفی را در رابطه جدید به‌جا خواهد گذاشت. این عواقب ممکن است با توجه به اینکه جدایی از طریق طلاق صورت گرفته است (و اگر چنین است، آیا طرف دیگر برای طلاق مایل یا نامایل بوده است) یا از طریق مرگ، متفاوت است (الیوت، ۱۹۹۷). به‌رحال، تقریباً همیشه فقدان‌های بسیاری وجود داشته است. توافقی عمومی وجود دارد که رابطه جدید در صورتی بیشترین شانس موفقیت را خواهد داشت که دلبستگی به همسر قبلی و مسائل مربوط به آن رابطه حل شده باشد (ویشر و ویشر، ۱۹۷۹؛ ساگس^۲، ۲۰۱۸). واکنش‌های عاطفی پیچیده‌ای نسبت به طلاق وجود دارد که می‌تواند مانع پیشرفت یک رابطه جدید شود. احساس گناه به‌طور بالقوه همه موقعیت‌ها را فرا می‌گیرد، خواه یک‌طرف جدایی را انتخاب کرده باشد یا نه و حتی در جایی که شریک سابق مرده است هم این اتفاق می‌افتد. به دنبال از دست دادن یک دلبستگی قابل توجه و/یا ناامیدی شدید، اضطراب در سرمایه‌گذاری مجدد (عاطفی) تقریباً اجتناب‌ناپذیر است. ما شواهد محکمی داریم که نشان می‌دهد طلاق تأثیرات منفی بر سلامت روان بزرگسالان دارد، اما همچنین این آثار موقتی هستند (کیلی و سوئینی، ۲۰۲۰).

همچنین این مطالعات نه تنها یافته‌های قبلی را تأیید می‌کند که روابط ناتنی عموماً به‌اندازه روابط بیولوژیکی نزدیک نیستند، بلکه تنوع قابل توجهی در روابط بین پدر/مادر ناتنی و فرزند شوهر یا زن از ازدواج قبلی (ناپسری/نادختری) را مستند می‌کنند. به‌عنوان مثال، کیفیت روابط بین کودکان و مادران بیولوژیکی آن‌ها و بین مادران و ناپدري،

1. Ganong, L., & Coleman, M.
2. Sagesse, W.

با کیفیت روابط کودکان با ناپدیری آنها و درک نوجوانان از تعلق به خانواده‌های متشکل از ناپدیری/ نامادری آنها مرتبط است (جنسن و هوارد، ۲۰۱۵؛ جنسن و شافر، ۲۰۱۳). روابط بین پدر/ مادر ناتنی و فرزند شوهر یا زن از ازدواج قبلی (ناپسری/ نادختری) نیز تحت تأثیر عواملی مانند سن ناپسری/ نادختری، جنسیت ناپدیری/ نامادری و ناپسری/ نادختری، مدت رابطه و ماهیت ترتیب حضانت قرار دارد (بکر، سالزبورگر، لوئیس و ناوک^۱، ۲۰۱۳). حتی در خانواده‌هایی که والد ناتنی در اولویت بودن فرزندان ناتنی را می‌پذیرد و باور دارد که می‌تواند جایگزین والد غایب شود نیز، به دلیل موانع بسیاری که بر سر راه تحقق این باور قرار دارد (والد اصلی غایب، مقاومت فرزندان و دخالت‌های والد اصلی) و عدم شناخت نسبت به آنها، باعث ناامیدی و احساس شکست در این افراد می‌گردد (یکله و همکاران، ۱۳۹۸).

ازسویی دیگر کیفیت رابطه بین والدین ناتنی و فرزندان بر تعارض زوجین و کیفیت زناشویی تأثیر می‌گذارد. در خانواده‌هایی که پس از ازدواج مجدد، فرزندان ازدواج قبلی حضور دارند، به دلیل در اولویت قرار گرفتن فرزندان و خواسته‌های آنها، جایگاه زوجی در اولویت پایین‌تری قرار می‌گیرد که این امر منجر به بروز تعارض در رابطه زوجی و کاهش کیفیت ازدواج مجدد می‌گردد (رمضانی و همکاران؛ یکله و همکاران، ۱۳۹۷). هترینگتون و کلی توضیح می‌دهند: در اولین ازدواج‌ها، یک رابطه زناشویی رضایت‌بخش، سنگ بنای اصلی زندگی شاد خانوادگی است و منجر به روابط مثبت والدین با فرزندان مثبت و روابط خواهر و برادر بیشتر می‌شود. در بسیاری از خانواده‌های نامادری، توالی برعکس است. برقراری نوعی رابطه قابل‌اجرا بین ناتنی و فرزندان ناتنی. ممکن است کلید ازدواج دوم توأم با شاد بودن و عملکرد موفق در خانواده‌های ترکیبی باشد؛ بنابراین، عواقب مربوط به کیفیت رابطه ناپدیری و نامادری به‌طور غیرمستقیم با عملکرد زوج ارتباط دارد. عوامل مرتبط با کیفیت رابطه ناپدیری و نامادری شامل رفتارهای فرزند پروری، ویژگی‌های فرزندان خوانده و رفتارهای فرزندان خوانده است (به نقل از کیلی و سوئینی^۲،

1. Becker, O. A., Salzburger, V., Lois, N., & Nauck, B.

2. Kelly.R., Sweeney.M.

(۲۰۲۰).

در باب عدم همراهی و حمایت خانواده‌ها در زمان زندگی زوجی ازدواج مجدد می‌توان این‌گونه تبیین داشت که؛ بر اساس نظریه‌های بازار ازدواج، نظریه‌های مزایای تبادل و فرضیه درآمد نسبی، فرد بازیگر اصلی و ارباب سرنوشت ازدواج تلقی می‌شود. همه این نظریه‌ها بدون در نظر گرفتن عوامل خانوادگی فرض می‌کنند که یک فرد معقول می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا با ایجاد تعادل بین مزایا و معایب، مجدداً ازدواج می‌کند یا نه. در واقع، بدیهی است که نظریه‌های ازدواجی که بعد خانواده را در نظر نمی‌گیرند، در مورد شرایط کشورهای آسیایی همانند ایران و چین صدق نمی‌کنند و بنابراین بعید است که بتوانند ازدواج مجدد در فرهنگ شرقی را کاملاً تفسیر کنند (پنگ^۱، ۲۰۱۶). در فرهنگ شرقی، ازدواج هرگز یک اقدام انفرادی نیست، بلکه تحت تأثیر خانواده، قبیله و شبکه بین فردی ساخته شده حول خانواده است (فی شیائو تونگ، ۱۹۹۸). همان‌طور که جین یائو جی (۲۰۱۰) بیان می‌کند، یک خانواده با فرهنگ شرقی «یک موجودیت کاملاً یکپارچه» است و تمام ارزش‌های اجتماعی از طریق آموزش خانواده و همچنین با کارکرد اجتماعی شدن از خانواده به فرد منتقل می‌شود؛ بنابراین، خانواده در ازدواج مردم کشورهای آسیایی اهمیت زیادی دارد (فی شیائو تونگ ۱۹۹۸؛ جین^۲، ۲۰۱۰).

الیوت (۱۹۹۷) گزارش داد؛ برداشت‌های بالینی نشان می‌دهند که ازدواج‌های دوم بیشتر از هر موضوع دیگری به خاطر موضوع فرزندان و فرزندپروری به غم منجر می‌شوند. این پژوهش همسو با پژوهش هیگن بوتام و آدلر بیدر و کولمن و گانون (۲۰۰۴) نشان دادند که نوع انتظارات افراد در میزان رضایت آن‌ها از ازدواج مجددشان تأثیرگذار است و افرادی که با این باور و انتظار که ازدواج دوم راحت‌تر است و احتمال شکست کمتری دارد، وارد زندگی می‌شوند، در صورت برآورده نشدن این انتظار دچار ناامیدی و دلزدگی می‌شوند. براین اساس انتظارات و باورهایی که نسبت به ازدواج مجدد وجود دارد نیز بر روی کیفیت درک شده ازدواج مجدد اثر می‌گذارد. برخی از زوجها بر این باورند که

1. Peng, D

2. Jin, Yaoji

تجربه قبلی ازدواج، شرایط ازدواج مجدد را تسهیل می‌کند و برای انتخاب همسر می‌تواند مؤثر باشد (هیگن بوتام و آدلر بیدر، ۲۰۱۳؛ یکله و همکاران، ۱۳۹۷).

در مقابل این چالش‌هایی که زوجین دارای ازدواج مجدد داشتند، زوجین موفق و دارای ازدواج مجدد رضایتمند راهبردهای مقابله‌ای را داشته‌اند که در سه سطح فردی، زوجی و خانوادگی و در دو مقطع زمانی (حین انتخاب همسر و زمان زندگی جدید) دسته‌بندی شد. الف-راهبردهای مقابله‌ای کارآمد فردی حین انتخاب همسر (بررسی علت طلاق از منظر همسر فرد مقابل، تمام کردن زندگی قبلی، استفاده از کتاب‌ها و فیلم‌های مشاوره‌ای، خودآشنایی مناسب در زمان انتخاب، بیان حساسیت‌ها و خط قرمزها، خودآگاهی). ب-راهبردهای مقابله‌ای کارآمد زوجی حین انتخاب همسر (عدم پنهان‌کاری، پذیرش نقاط ضعف و قوت همدیگر، اختصاص زمان مناسب برای آشنایی، انجام درست تحقیقات آشنایی، توافق بر سر مسائل آینده، مشورت با افراد با تجربه) ج-راهبردهای مقابله‌ای کارآمد خانوادگی حین انتخاب همسر (توافق بر سر ارتباط با فرزند ناتنی، بسترسازی مناسب خانواده برای ازدواج مجدد، حمایت روحی-روانی خانواده‌ها).

د-راهبردهای مقابله‌ای کارآمد فردی زمان زندگی جدید (اجتناب از باورهای کلیشه‌ای، آگاهی از شیوه حل مسئله، حفظ آرامش و کنترل خشم، برخورداری از صبر و بردباری، مثبت‌نگری، تمرکز بر زندگی خود، مهارت کنکاش نکردن در زندگی گذشته، عبرت از گذشته). ه-راهبردهای مقابله‌ای کارآمد زوجی زمان زندگی جدید (گرایش به مدیریت رابطه، ابراز همدردی با همسر، مدیریت زوجی مشکلات در ازدواج مجدد، توجه به فردیت طرف مقابل، عدم برخورد هیجانی در زمان مشکلات، گفتگو در مورد مسائل، همفکری و مشورت با همسر، توافق و تفاهم بر سر مسائل، درک متقابل، درک کردن شرایط موجود، عدم مقایسه زندگی جدید با قدیم، مهرورزی و ابراز علاقه مناسب، زندگی عاشقانه با وجود مشکلات، توجه به ارزش‌ها و نیازها و سلیقه همسر، اختصاص وقت برای همدیگر، آگاهی از حقوق فردی، داشتن اوقات فراغت و تفریح مشترک، حفظ تعادل رفتاری، تلاش برای حفظ رابطه در حالت ایدئال، متعهد بودن، عدم ارتباط با همسر سابق،

مدیریت رابطه زوجی در اوایل زندگی با وجود فرزند؛ و-راهبردهای مقابله‌ای کارآمد خانوادگی زمان زندگی جدید (ایجاد حدود مرزها با خانواده‌های مبدأ، حل مشکلات بدون مثلث‌سازی، تقسیم وظایف کارهای منزل، عدم تقسیم وظایف برحسب جنسیت، توجه به نقش‌ها و مسئولیت‌ها).

برخی از این مقوله‌هایی که به‌عنوان راهبرد در نظر گرفته شدند نیز با برخی از پژوهش‌های پیشین همسو و هم‌راستا هستند و سایر مقوله‌ها در پژوهش‌های پیشین یافت نشد: مهارت کنکاش نکردن در زندگی گذشته، بررسی علت طلاق از منظر همسر فرد مقابل، تمام کردن زندگی قبلی، استفاده از کتاب‌ها و فیلم‌های مشاوره‌ای (گارنو، آدلر بیدر و هیگین بات^۱ و، ۲۰۱۳)، حفظ آرامش و کنترل خشم، برخورداری از صبر و بردباری، تمرکز بر زندگی خود، عبرت از گذشته، مثبت‌نگری، اجتناب از باورهای کلیشه‌ای، آگاهی از شیوه حل مسئله، توکل به خدا در مشکلات (یزدانی و همکاران، ۲۰۲۱؛ اشرف گنجوی، ۱۳۹۴)، گولیش (۲۰۱۳) در تحقیق خود بر روی خانواده‌های آمیخته به این نتیجه رسید که خانواده‌های قدرتمند بیشتر از گشودگی، شمولیت و رفتار اصلاحی استفاده می‌کنند اما خانواده‌های ضعیف بیشتر از رفتارهای اجتنابی، فاصله‌گیری و پرخاشگری در روابط خود استفاده می‌کنند.

زندگی زوجین، متعهد بودن، همفکری و مشورت با همسر، عدم برخورد هیجانی در زمان مشکلات، گفتگو در مورد مسائل (یزدانی و همکاران، ۲۰۲۱)، عدم مقایسه زندگی جدید با قدیم، اختصاص وقت برای همدیگر، آگاهی از حقوق فردی، حفظ تعادل رفتاری، عدم پنهان‌کاری، ابراز همدردی با همسر. توجه به ارزش‌ها، نیازها و سلاقی همسر (کریمی‌ثانی و همکاران ۱۳۹۱) مهرورزی و ابراز علاقه مناسب (اسکوتزکی، ۲۰۱۳؛ فاطیما و اجمل، ۲۰۱۲؛ هیکس و همکاران، ۲۰۰۴)، گرایش به مدیریت رابطه (جلالی، مظاهری، کیامنش و احدی، ۱۳۹۶ و کریمی‌ثانی و همکاران، ۱۳۸۹) درک متقابل، (یانگ و لانگ^۲ ۱۹۹۸)، ارتباط با فرزندان (دانش‌پور و همکاران، ۲۰۱۱)، داشتن اوقات فراغت و تفریح

1. Garneau, Adler-Baeder, and Higginbotham

2. Young, M., & Long, L.

مشترک (وارد، بارنی، لوندبرگ و زابریسکی؛ ۲۰۱۴، چاوز^۲، ۲۰۱۵)، توافق و تفاهم بر سر مسائل (دانش‌پور و همکاران، ۲۰۱۱ و امیدیان، رحیمیان بوگر، طالع پسند، نجفی و کاوه، ۱۳۹۷)، تلاش برای حفظ رابطه در حالت ایدئال (بین، ۲۰۱۹؛ یزدانی و همکاران، ۲۰۲۱؛ فتحی، اسمعیلی، فرح‌بخش و دانشپور، ۱۳۹۴؛ بهارلو، ۱۳۸۸ و پاسلی و موره فایلد، ۲۰۰۴)، عدم ارتباط با همسر سابق (فاکس، شرینر، ۲۰۱۴) بود. باتوجه به اینکه اکثر زوج‌های ازدواج مجدد، به‌جای مرگ همسر، طلاق را تجربه کرده‌اند. شواهد تجربی قابل توجهی نشان می‌دهد که هر دو رابطه بسیار منفی و متشنج است و درگیری با همسر سابق می‌تواند بر کیفیت روابط زوج جدید تأثیر منفی بگذارد و نداشتن رابطه عاطفی و ایجاد مرزهای مناسب با همسر سابق برای ازدواج مجدد سالم ضروری است (فاکس، شرینر، ۲۰۱۴). باتوجه به اینکه مسئله خیانت و تعصباتی که همسران ایرانی دارند، در صورتی که ارتباط با همسر سابق به هر روشی برقرار شود، باعث ازهم‌پاشیدگی می‌شود و جلوگیری از ارتباط راهبردی خیلی مناسبی برای حفظ زندگی در ازدواج‌های دوم می‌باشد. در بررسی‌ها و مصاحبه‌های صورت گرفته با زوجین موفق این نتیجه به دست آمد که برخی از زوجین پس از مواجهه با مشکلات در ازدواج مجدد خود، برای حفظ زندگی مشترکشان تلاش می‌کنند و مسیرهای گوناگونی را برای جلوگیری از بهم خوردن انسجام خانواده خود به کار می‌گیرند.

داشتن نگرش مثبت در زندگی و مشورت و همفکری با دیگران، درک کردن شرایط موجود، زندگی عاشقانه باوجود مشکلات، مدیریت زوجی مشکلات در ازدواج مجدد از راه‌های تلاش برای حفظ زندگی در بین مشارکت‌کنندگان است. برخی از زوجین، به دلیل تجربه طلاق در پیشینه خود، از زندگی مشترک مجدد خود مراقبت بیشتری می‌کنند و تجربه خود را از زندگی قبل به کار می‌گیرند و از مسائلی که سعی در به‌هم‌زدن نشاط زندگی‌شان دارد، دوری می‌کنند. این تلاش حاصل تجربه‌ای تلخ از

1. Ward, P., Barney, K., Lundberg, N., & Zabriskie, R.

2. Chavez, J.

گذشته و امید به آینده است. مصاحبه‌ها نشان داده است که برخی از همسران کاملاً فعالانه و هدفمند، از آسیب‌های وارده به محیط خانوادگی خود در ازدواج مجدد، پیشگیری کرده و مراقبت کامل دارند. تحقیقات دیگر نشان داده‌اند که رفتار مواجهه‌ای همسر موجب عقب‌نشینی والد جدید از فرزندخوانده‌ها می‌شود (برای و کلی، ۱۹۹۸؛ به نقل از کانوگ و کولمن، ۲۰۰۴).

همچنین بر اساس یافته‌ها، همچنین زوجها در مصاحبه‌ها بر اهمیت پذیرش تفاوت‌های شخصیتی و پذیرش نقاط ضعف و قوت همدیگر و توجه به فردیت طرف مقابل، تأکید داشتند. اسکوتزکی (۲۰۱۳) پذیرش را به‌عنوان یک عامل مؤثر در موفقیت رابطه زوجی مطرح کرده است. پژوهش دهدست، کاظمیان و باقری (۱۳۹۶) حاکی از آن بود که پذیرش تفاوت‌های فردی منجر به سازگاری زناشویی می‌گردد. در زوج‌درمانی رفتاری تلفیقی، آنچه باعث تمایز زوج‌های موفق از زوج‌های آشفته می‌شود مفهوم پذیرش است (گورمن، ۲۰۱۲؛ ترجمه امانی و همکاران، ۱۳۹۳). بین (۲۰۱۹) نقش رفتارهای حفظ رابطه (مثبت بودن، منفی بودن و علاقه جنسی) در ثبات زناشویی ابتدا با استفاده از یک مدل وابستگی متقابل چند عضوی چند گروهی بررسی کرد و نتایج او نشان داد که بی‌ثباتی زناشویی ارتباط مثبتی با میزان منفی بودن همسران داشت. کمپل^۱ (۲۰۱۲) هم، این عوامل را به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر رضایتمندی این ازدواج‌ها عنوان می‌کند: تعهد، عشق، اعتقادات معنوی و مذهبی، ارتباطات، سازگاری، توافقات مالی و نزدیکی جسمانی.

دسته سوم از راهبردهای مقابله‌ای کارآمد در برابر چالش‌ها و مشکلات، راهبردهای خانوادگی زوجین دارای ازدواج رضایتمند بود. این راهبردها در نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی گذشته که شامل ایجاد حدودمرزها با خانواده‌های مبدأ (درخش و همکاران، ۲۰۱۸؛ فاکس، شاینر، ۲۰۱۴؛ گانونگ و کلمن، ۲۰۱۸). توجه به نقش‌ها و مسئولیت‌ها (کلمن و گانونگ، ۲۰۱۶)، تقسیم وظایف کارهای منزل (کرایبی، ۱۳۹۵؛ حاتمی و رزانه، ۱۳۹۴)، مواجهه منطقی بامسائل (سلترز، ۲۰۱۹)، توافق بر سر ارتباط با فرزند

ناتنی (محمدی و محمدی، ۱۳۹۸؛ بکر، سالزبورگر، لوئیس و ناوک، ۲۰۱۳؛ کینگ، بادی و تورسن، ۲۰۱۵؛ کینگ، تورسن و اماتو، ۲۰۱۴) بود، همخوانی داشت.

در این راستا می‌توان گفت که حضور فرزند برای برخی از زوجین به‌عنوان چالش بزرگی در ازدواج مجدد توصیف شده است و بیشتر به‌عنوان یک مانع در موفقیت ازدواج مجدد بیان شده است. (محمدی و محمدی، ۱۳۹۸). چون اکثر والدین تمایل دارند که ارتباط خود را فرزند خود از ازدواج قبلی را حفظ نمایند و حتی طبق نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، پذیرش فرزند را شرط قبول ازدواج عنوان می‌کنند. دیدگاه تکاملی در جهت تبیین این مسئله نشان می‌دهد که والدین ممکن است انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری در کودکانی که با آن‌ها رابطه بیولوژیکی دارند داشته باشند. به‌عنوان مثال، والدین ممکن است، به دلیل تمایل به انتقال ژن‌های خود به نسل‌های آینده یا به دلیل این انتظار که این رابطه به‌احتمال زیاد طولانی‌مدت است، بیشتر در کودکان بیولوژیکی (همخون) خود سرمایه‌گذاری کنند تا کودکان غیر همخون. (اندرسون و هاورث^۱، ۲۰۰۳). از طرفی دیدگاه استرس و بی‌ثباتی؛ به‌جای تمرکز بر تأثیر ساختار خانواده در یک نقطه مشخص در زمان، نشان می‌دهد که تغییرات در ساختار خانواده ممکن است تعادل محیط‌های خانواده را مختل کند و منجر به تنش و تعارض درون خانواده‌ها شود. از این جهت تنظیم روابط اعضای خانواده و نظارت بر رفتارهای آنان در صورتی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که روابطی گرم و صمیمانه بین والدین و فرزندان برقرار باشد، درحالی‌که خانواده‌های ناتنی از این نظر معمولاً در سطح پایین‌تری نسبت به خانواده‌های طبیعی قرار دارند (اسماعیلی، ۱۳۹۲).

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که ازدواج مجدد چالش‌های زیادی دارد ولی زوجین می‌توانند برای ایجاد یک ازدواج رضایتمند و رضایتمند از همان ابتدا با راهبردهای مقابله‌ای مناسب در جهت انتخاب آگاهانه و شناخت عمیق از یکدیگر و صداقت و شفاف‌سازی در مورد موضوعات زندگی سابق و رابطه زوجی فعلی تلاش نمایند؛ و از نتایج

1. Anderson & Hofferth.

این پژوهش می‌تواند در آموزش‌های پیش از ازدواج و ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره استفاده نمود و به این قشر کمک کرد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها پژوهش

این پژوهش جزئی از رساله دکتری در زمینه مشاوره بوده است که هدف آن ارائه الگوی ایرانی مشاوره پیش از ازدواج مجدد می‌باشد، نتایج حاصل از پژوهش حاضر به دلیل بومی بودن و استفاده از رویکردی کیفی، قابلیت تعمیم‌پذیری و جامعیت استفاده کمتری دارد؛ درحالی‌که یافته‌های به‌دست‌آمده از کشورهای غربی در تحقیقات پیشین ممکن است به دلیل پیشینه‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در کشوری مثل ایران قابل کاربرد نباشد. این مطالعه به وسیله توصیف تجربه مشارکت‌کنندگان هدفمندی که در بافت فرهنگی استان تهران و بافت رابطه‌ای (ازدواج‌های مجدد) قرار داشته‌اند محدود شده است؛ بنابراین، تمرکز پژوهش حاضر بر نمونه‌ای خاص و بافتی خاص بوده است. محدودیت‌های این نمونه کاربرد تعمیم نتایج را به بافت‌های دیگر و دیگر گروه‌های قومی محدود می‌کند. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر کشورمان و با نمونه‌های دیگر تکرار شود. و از یافته‌های این پژوهش در قالب یک برنامه مشاوره‌ای و آموزشی و تعیین اثربخشی آن بر کیفیت رابطه زوجی انتخاب همسر مناسب و بهره‌برند.

در انتها پیشنهاد می‌گردد متخصصان روان‌شناسی و مشاوره این چالش‌ها و راهبردهای مقابله‌ای که بر اساس بافت کشور خودمان در این پژوهش مشخص گردید را در قالب کارگاه‌های آموزشی در زمان پیش از ازدواج مجدد یا در طول زندگی زوجی به زوجین دارای ازدواج مجدد آموزش دهند. هم‌چنین متخصصان مشاوره ازدواج و خانواده می‌توانند از این مقوله‌ها و راهبردها در جلسات مشاوره یا برنامه‌های آماده‌سازی پیش از ازدواج مجدد، متناسب با شرایط خاص این زوجین بهره‌برند تا آنان راهکارهای عملی در باب چالش‌های فرزندان حاصل از زندگی قبلی و فرزندپروری و انجام رفتارهای زوجی مناسب را در جهت رسیدن به ازدواج رضایتمند فراگیرند.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری مشاوره دانشگاه هرمزگان با ثبت کد اخلاق IR.HUMS.REC.1400.308 در دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان می‌باشد. بدین وسیله از همکاری زوجین دارای ازدواج مجدد و تمام کسانی که در انجام این پژوهش همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

- اختیاری امیری؛ راضیه؛ فرحبخش، کیومرث؛ کلانتر هرمزی، آتوسا و سلیمی بچستانی، حسین (۱۳۹۷). تدوین و ارائه الگوی مطلوب مشاوره پیش از ازدواج مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی. *نشریه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی پایش*. ۱۳۹۷؛ ۱۷ (۴): ۴۳۱-۴۴۲.
- بهارلو، غفار. (۱۳۸۸). رابطه‌ی بین عملکرد ازدواج با سازگاری زناشویی و مقایسه آن‌ها در بین اقوام فارس، بختیاری و گُرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان
- حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث و برجعلی، احمد. (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای ازدواج‌های رضایتمند و ازدواج‌های در حال جدایی (مطالعه کیفی). *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*. ۴ (۳): ۱۲۴-۱۵۶.
- حقانی زمیدانی، مجتبی؛ ضمیری، فاطمه؛ قاسمی نیائی، فاطمه؛ خزاعی، سمانه؛ عمادی، فریناز (۱۴۰۱). منابع معنای زندگی در دانشجویان رشته مشاوره: یک مطالعه کیفی. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*. ۱۳ (۵۰): ۱۵۵-۲۰۰.
- خشنود، قاسم؛ رجبی، غلامرضا؛ سودانی، منصور و خجسته مهر، رضا (۱۳۹۸). اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر بازسازی عاطفی بر ترس از صمیمیت، اعتماد در روابط نزدیک و رضایت زناشویی در زوجین با ازدواج مجدد با تجربه طلاق: یک مطالعه موردی. رساله دکتری تخصصی مشاوره. دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- درخش، علی؛ اصلانی، خالد و کرای، امید (۱۳۹۸). تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی. *پژوهشنامه زنان*، ۱۰ (۱): ۱-۲۷.
- دلیلگو، سعید؛ وحیدا، فریدون؛ مهاجرانی، علی اصغر و اسماعیلی، رضا (۱۳۹۵). کاهش رغبت به ازدواج مجدد (مطالعه موردی: زنان سرپرست‌خانوار شهر اصفهان). *مسائل اجتماعی ایران*. ۷ (۱): ۳۱-۵۲.
- رضاپور میرصالح یاسر، سقاچی فیروزآبادی منیره، امینی راضیه (۱۴۰۰). بررسی کیفی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی از دیدگاه زنان مطلقه: مقایسه نگرش‌های زنان قبل و بعد از ازدواج. *پژوهش‌های مشاوره*، ۲۰ (۷۹): ۳۰-۵.
- رمضانی، فاطمه؛ بهمنی، بهمن؛ ازخوش، منوچهر و دادخواه، اصغر (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر

بر کیفیت زناشویی در ازدواج مجدد، پس از طلاق: یک مطالعه کیفی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

صاحب‌دل، حسین؛ زهراکار، کیانوش و دل‌آور، علی (۱۳۹۴). شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق (یک مطالعه کیفی). پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره. ۵، (۲): ۳۲-۴۶.

صادقی محمد، بهرامی فاطمه، اسماعیلی رضا (۱۳۹۷). تدوین مدل بومی عوامل جامعه‌شناختی بازدارنده ازدواج مجدد زنان سرپرست‌خانوار زیر پوشش کمیته امداد کشور ایران در سال ۱۳۹۵. رفاه اجتماعی. ۱۸ (۷۰): ۱۸۰-۱۴۱.

فتحی، الهام؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ دانشپور، منیژه (۱۳۹۴). حیطه‌های تعارض و استراتژی‌های حل آن در زوجین رضایتمند. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۶ (۲۴): ۲۹-۵۴.

کریمی ثانی، پرویز؛ اسمعیلی، معصومه؛ فلسفی نژاد، محمدرضا؛ شفیق‌آبادی، عبدالله و فرحبخش، کیومرث (۱۳۸۹). تدوین محتوای مشاوره قبل از ازدواج بر مبنای شناسایی عوامل و مهارت‌های معنوی و اخلاقی پیش‌بینی‌کننده ازدواج موفق در بین زوج‌های تبریز. مجله زن و خانواده. دوره ۲. شماره ۷. ۱۳۲-۱۲۱.

گال، مردیت؛ بورک، والتر و گال، جویس روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (۱۹۹۵). مترجمان احمدرضا نصر، حمیدرضا عریضی، محمود ابوالقاسمی، محمدجعفر پاک‌سرشت، علیرضا کیامنش، خسرو باقری، محمد خیر و زهره خسروی (۱۳۹۶). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و انتشارات دانشگاه شهیدبهبشتی، جلد اول، چاپ دوازدهم.

گلزاری، محمود و کمن، محمدرضا (۱۳۹۴). الگوی همسرگزینی در مشاوره پیش از ازدواج گام‌به‌گام از آشنایی تا انتخاب. همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی. دانشگاه فردوسی. دوره ۹.

محمدی، رزگار و محمدی، زهرا (۱۳۹۸). چالش‌های ازدواج مجدد زنان با حضور فرزند: پژوهشی کیفی. مجله زن در توسعه و سیاست. ۱۷ (۱)، ۹۷-۱۱۹.

مرادی، زهرا؛ صدری دمی‌رچی، اسماعیل؛ کشاورز افشار، حسین؛ درگاهی، شهریار (۱۴۰۱). تجربه

زیسته زنان متأهل دارای ازدواج بدون رضایت والدین: یک مطالعه پدیدارشناسی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳ (۵۰): ۲۲۵-۲۵۲.

مشرف قهفرخی، الهه و انصاری، ابراهیم (۱۳۹۴). بررسی موانع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر ازدواج مجدد زنان مطلقه و بی‌سرپرست تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی ره شهرستان شهرکرد، کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی، شیراز.

ملکی، حسن. (۱۳۹۵). مشاوره ازدواج مجدد. تهران: انتشارات آوای نور. چاپ اول.

هنرپروران، نازنین و مزارعی فرد، روح‌الله (۱۳۹۶). مقایسه ملاک در انتخاب همسر در دو جنس دختر و پسر، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، شیراز.

یکله، معصومه؛ محسن زاده، فرشاد و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۷). مطالعه کیفیت ازدواج مجدد پس از طلاق رویکرد داده بنیاد. فصلنامه مددکاری اجتماعی. ۷ (۳): ۱۷-۳۱.

- Adler-Baeder, F., & Higginbotham, B. (2004). Implications of remarriage and stepfamily formation for marriage education. *Family Relations*, 53 (5), 448-458.
- Bean, R. C. (2019). Relationship Maintenance Behaviors and Marital Stability in Remarriage: The Examination of Stepfamily Constellations and Associated Challenges.
- Becker, O. A., Salzburger, V., Lois, N., & Nauck, B. (2013). What narrows the Stepgap? Closeness between parents and adult (step) children in Germany: Closeness between parents and adult (step) children. *Journal of Marriage and Family*, 75 (5), 1130-1148.
- Bernstein, A. C. (2000). Remarriage: redesigning couplehood. *Couples on the fault line: New directions for therapists*, 284-311.
- Campbell, Marci, "Exploring Aspects of Strong Remarriages" (2012). *All Graduate Theses and Dissertations*. 1180.
- Carroll, J. S., & Doherty, W. J. (2003). Evaluating the effectiveness of premarital prevention programs: A meta-analytic review of outcome research. *Family relations*, 52 (2), 105-118.
- Crowley, J. (2018). *Gray divorce: What we lose and gain from mid-life splits*. Univ of California Press.
- Crowley, J. E. (2019). Once Bitten, Twice Shy? Gender Differences in the Remarriage Decision after a Gray Divorce. *Sociological Inquiry*, 89 (1), 150-176.
- Dion, M. R. (2005). Healthy marriage programs: Learning what works. *The future of children*, 139-156.

- Dupre, M. E., & Meadows, S. O. (2007). Disaggregating the effects of marital trajectories on health. *Journal of Family Issues*, 28 (5) , 623-652.
- Elliott, R. (1997). Therapy with remarried couples - a multitheoretical perspective. *Australian and New Zealand Journal of Family Therapy*, 18, 181-193.
- Faber AJ... (۲۰۰۴) Examining remarried couples through a Bowenian family systems lens. *Journal of Divorce & Remarriage*. 40 (3-4): 121-33.
- Fei Xiao-tong.) 1998 (. Native soil china and system of birth. Beijing: Peking University Press.
- Ganong, L. H., & Coleman, M. (2004). *Stepfamily relationships: Development, dynamics, and interventions*. New York, NY, US.
- Ganong, L. H., Coleman, M., & Jamison, T. (2011). (Patterns of stepchild–stepparent relationship development. *Journal of Marriage and Family*, 73 (2) , 396–413. Ganong, L., & Coleman, M. (2018). Studying stepfamilies: Four eras of family scholarship. *Family Process*, 57 (1) , 7–24.
- Garneau, C. L., Adler-Baeder, F., & Higginbotham, B. (2016). Validating the remarriage belief inventory as a dyadic measure for stepcouples. *Journal of family issues*, 37 (1) , 132-150.
- Goetting, A.,) 1982 (. The Six Stations of Remarriage: Developmental Tasks of Remarriage After Divorce, *Family Relations*, 31: 213–222.
- Hiyoshi A, Fall K, Netuveli G, Montgomery S. (2015). Remarriage after divorce and depression risk. *Social Science & Medicine*. 2015 Sep; 141: 109–114
- Hu, Y. (2020). Marital Disruption, Remarriage and Child Well-being in China. *Journal of Family Issues*, 0192513X20917779.
- Jensen, T. M., & Howard, M. O. (2015). Perceived stepparent–child relationship quality: A systematic review of stepchildren’s perspectives. *Marriage & Family Review*, 51 (2) , 99–153.
- Jensen, T. M., & Shafer, K. (2013). Stepfamily functioning and closeness: Children’s views on second marriages and stepfather relationships. *Social Work*, 58 (2) , 127–136.
- Jin, Yaoji.) 2010 (. From tradition to modern. Beijing: Law Press.
- Kalmijn, M. (2013). Adult Children’s relationships with married parents, divorced parents, and stepparents :
- Kepler, A. (2015). Marital satisfaction: The impact of premarital and couples counseling.
- King, V., Amato, P. R., & Lindstrom, R. (2015). (Stepfather–adolescent relationship quality during the first year of transitioning to a stepfamily. *Journal of Marriage and Family*, 77 (5) , 1179–1189.
- King, V., Boyd, L. M., & Thorsen, M. L. (2015). Adolescents’ perceptions

- of family belonging in tepfamilies. *Journal of Marriage and Family*, 77 (3) ,61-774
- King, V., Thorsen, M. L., & Amato, P. R. (2014). Factors associated with positive relationships between stepfathers and adolescent stepchildren. *Social Science Research*, 47, 16-29
- Laxman, D. J., Higginbotham, B. J., MacArthur, S. S., & Plummer Lee, C. (2019). A test of the family stress model using a remarriage sample. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60 (7) , 518-536.
- Limeira, M. I. C. D. A., & Féres-Carneiro, T. (2019). Reconciliation in Remarriage to an Ex-Spouse: Individual Changes. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60 (8) , 612-629.
- Lyster, R. F., Russell, M., & Hiebert, J. (1996). Preparation for remarriage: Consumers' views. *Journal of Divorce & Remarriage*, 24 (3-4) , 143-158.
- Määttä, K., & Uusiautti, S. (2012). Changing identities: Finnish divorcees' perceptions of a new marriage. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53 (7) , 515-532.
- McGeorge, C. R., & Carlson, T. S. (2006). Premarital education: An assessment of program efficacy. *Contemporary Family Therapy*, 28 (1) , 165-190.
- O'Flaherty, K. M., & Eells, L. W. (1994). The development of remarriage-preparation programs. *Journal of divorce & remarriage*, 20 (1-2) , 229-245.
- Payne, K. K. (2018). Change in the US remarriage rate, 2008 & 2016. *Family Profiles*.
- Peng, D. (2016). Personal resources, family factors, and remarriage: an analysis based on CFPS2010 data. *J. Chin. Sociol.* 3, 1.
- R. Kelly Raley | Megan M. Sweeney) .2020). Divorce, Repartnering, and Stepfamilies: A Decade in review. *Journal of Marriage and Family*. volume 82, issue 1, P81-99
- Rajabi G, Khoshnoud G, Sodani M, Khojastehmehr R..(۲۰۲۰) The Effectiveness of Affective-reconstructive Couple Therapy in Increasing the Trust and Marital Satisfaction of Couples With Remarriage. *IJPCP*. 26 (1): 114-129
- Sagesse, W. (2018). Relationships between premarital counseling, religiosity, and marital satisfaction (Doctoral dissertation, Grand Canyon University.)
- Stanley, S. M., Amato, P. R., Johnson, C. A., & Markman, H. J. (2006). Premarital education, marital quality, and marital stability: Findings from a large, random household survey. *Journal of family psychology*, 20 (1) , 117.
- Stokes SB, Wampler RS... (۲۰۰۲) Remarried clients seeking marital therapy

as compared to those seeking family therapy: Differences in levels of psychological and marital distress. *Journal of Divorce & Remarriage*, 38 (1-2): 91-107.

Sweeney, M. M. (2010). Remarriage and stepfamilies: Strategic sites for family scholarship in the 21st century. *Journal of marriage and family*, 72 (3) , 667-684.

Visher, E. B., Visher, J. S., & Pasley, K. (2003). Remarriage families and stepparenting. *Normal family processes: Growing diversity and complexity*, 3, 153-175.

Weibling, J. M. (2001). Reconciling Matthew and Mark on divorce. *Trinity journal*, 22 (2) , 219.

Yazdani, A., Mousavi, M., Alipour, F., & Rafiey, H. (2021). Reconfiguration of relationships during the process of remarriage after divorce. A qualitative study in Iran. *Journal of Medicine and Life*, 14 (2) , 198.

استناد به این مقاله: ثمری صفا، جعفر، زارعی، اقبال، نجارپوریان، سمانه، محمدی، کوروش. (۱۴۰۲). چالش‌ها و مشکلات زوجین در ازدواج مجدد و راهبردهای مقابله‌ای زوجین موفق؛ یک پژوهش کیفی، *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۴(۵۳)، ۳۵-۹۲.

DOI: 10.22054/QCCPC.2022.67938.2943



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.